



شورای عالی حوزه علمیه قم
مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران

مدرسه‌ی علمیه الزهرا (سلام الله علیها)
شهرستان ارومیه

تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

عنوان:

اخلاق در دنیای متجدد

استاد راهنما:

سرکار خانم زهرا خوشبخت

استاد داور:

حجه الاسلام و المسلمین جناب آقای غلامرضا اسم حسینی

پژوهشگر:

سیده سمیه سید صدیق

تابستان ۱۳۹۲

رسالة



شورای عالی حوزه علمیه قم
مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران

مدرسه‌ی علمیه الزهرا (سلام الله علیها)
شهرستان ارومیه

تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

عنوان:

اخلاق در دنیای متجدد

استاد راهنما:

سرکار خانم زهرا خوشبخت

استاد داور:

حجه الاسلام و المسلمین جناب آقای غلامرضا اسم حسینی

پژوهشگر:

سیده سمیه سید صدیق

تابستان ۱۳۹۲

پیوست شماره ۱۷

بسمه تعالی

تحقیق پایانی با موضوع: اخلاق در دنیای متجدد

که توسط سرکار خانم: سیده سمیه سیدصدیق

برای دریافت دانشنامه سطح دو (کارشناسی) تدوین شده است، توسط هیأت داوران مورد ارزیابی قرار

گرفته و در تاریخ / / ۱۳۹۲، با کسب رتبه پذیرفته شده است.

استاد راهنما: سرکار خانم زهرا خوشبخت

استاد داور: حجه الاسلام و المسلمین جناب آقای غلامرضا اسم حسینی

مدرسه علمیه: الزهرا (سلام الله علیها)

شهرستان: ارومیه

امضاء مدیر و مهر مدرسه

تحمیدیه

حمد و ستایش، خدای را بر نعمتهایی که ارزانی داشت و شکرو سپاس، او را بر اندیشه نیکویی که در دل نگاشت، و ثنا و تحسین بر آنچه از پیش فرستاد؛ بر نعمتهای فراگیر که از چشمه لطفش جوشید، و دهش های انبوه و در خور، که بخشید، و بخشش های کامل و بیزوال که در پی می رسد.

دهش هایش، بیرون از گنجایش شمارش کنندگان و پاداششان، فراتر از توان ستایشگران و شناخت ژرفا و جاودانگی شان، برتر از اندیشه خردورزان. مردمان را تداوم و تسلسل نعمتها به سپاسگزاری فراخواند و به پاس فراوانی پاداش، در ستایش را به روی خلاق گشود، و با این فراخوانی نعمتهای خود را دو چندان کرد.

تقدیم و اهداء

تقدیم به:

پیشگاه مقدس خداوند باری تعالی، که معلم اول و آخر هستند و در قرآن کریم خود را معلم اخلاق معرفی فرموده‌اند، و ائمه طاهرین علیهم السلام و به پیامبر اسلام (سلام الله علیه) که معلم اول و حضرت علی (علیه السلام) معلم ثانی در بین جوامع بشری می‌باشند.

«مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ، لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ»

تقدیر و تشکر از:

خداوند مهربان را سپاسگذارم که بر این بنده حقیر منت نهاد تا در مسیر یادگیری معارف اسلامی قرار گیرم. امید است با عمل به قرآن و فرمایشات ائمه معصومین علیهم السلام هر بیشتر در مسیر مزین کردن خود به اخلاق آل محمدی (سلام الله علیها) قدم بردارم. اینجانب بر خود فرض می‌دانم از زحمات و تلاش‌های بی دریغ پدر و مادر عزیزم، همسر مهربانم، از مدیریت محترم و معاونت پژوهشی و تمامی اساتید بزرگوار و معزز، به خصوص سرکار خانم زهرا خوشبخت که در تدوین این مختصر مرا راهنمایی و یاری فرمودند، نهایت قدردانی را بنمایم.

چکیده

تحقیق اینجانب شامل ۴ بخش بوده که عبارتند از:

*بخش اول: کلیات می‌باشد که در فصل اول آن طرحنامه بیان شده و در فصل دوم مفاهیم اخلاق و تجدد و اخلاق در دنیای متجدد بررسی شده است. و در بخش دوم که اهمیت اخلاق و ویژگی‌های آن می‌باشد شامل دو فصل بوده که در فصل اول اهمیت علم اخلاق و شناسنامه اخلاقی می‌باشد شامل زیرفصل‌های اهمیت تهذیب نفس و اهمیت اخلاق در قرآن و عترت هست بیان شده و در فصل دوم ویژگیهای نظام اخلاق اسلامی می‌باشد که درباره برخی از این ویژگی‌ها همچون عقلانی بودن، مشیت محوری و ... بحث شده و در بخش سوم اخلاق در دنیای متجدد نامگذاری شده که شامل ۳ فصل بوده، فصل اول ماهیت دنیای متجدد می‌باشد که شامل زیرفصل‌های اخلاق در غرب، علم و تکنولوژی و زندگی سیاسی و اجتماعی اقتصادی در آن بحث شده. فصل دوم که مبانی زمانه شناسی اسلام و دنیای متجدد می‌باشد درباره ملاک تشخیص پیشرفته‌ها و انحطاط‌های زمانه، ضرورت پیشرفت در اسلام و مکانیسم انطباق اسلام با مقتضیات زمانه بحث شده و در فصل سوم که اخلاق و پیشرفت ارزشهای نوین در جهان انقلابی می‌باشد، درباره اخلاق و آزادی و اخلاق و سوسیالیسم، اخلاق فئودال و سرمایه داری و ... بحث شده است.

کلید واژه‌ها: اخلاق، تجدد، سرمایه داری، فئودالیسم، توسعه، مدون، انقلاب، سوسیالیسم

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۱

بخش اول: کلیات

فصل اول: طرح نامه

۱-۱-۱- تعریف و تبیین موضوع.....	۴
۱-۱-۲- اهمیت و ضرورت تحقیق.....	۵
۱-۱-۳- اهداف و فوائد تحقیق.....	۶
۱-۱-۴- پیشینه موضوع تحقیق.....	۶
۱-۱-۵- سؤال‌های تحقیق.....	۸
۱-۱-۶- فرضیه تحقیق.....	۹
۱-۱-۷- روش تحقیق.....	۹
۱-۱-۸- ساختار تحقیق.....	۹
۱-۱-۹- واژگان کلیدی تحقیق.....	۱۱
۱-۱-۱۰- محدودیت‌ها، مشکلات و موانع تحقیق.....	۱۲

فصل دوم: مفاهیم

۱-۲-۱- مفاهیم اخلاق و تجدد، اخلاق در دنیای متجدد.....	۱۵
---	----

بخش دوم: اهمیت اخلاق و ویژگی‌های آن

فصل اول: اهمیت علم اخلاق و شناسنامه اخلاقی

مقدمه.....	۱۹
۲-۱-۱- اهمیت تهذیب نفس.....	۲۰
۲-۱-۲- اهمیت اخلاق از نظر قرآن و عترت.....	۲۲

فصل دوم: ویژگیهای نظام اخلاق اسلامی

مقدمه.....	۲۵
۲-۲-۱- ویژگیهای نظام اخلاق اسلامی	
۲-۲-۱-۱- علم و آگاهی	۲۶
۲-۲-۱-۲- اخلاص	۲۶
۲-۲-۱-۳- تعادل بین دنیا و آخرت	۲۷
۲-۲-۱-۴- نیت پاک	۲۸
۲-۲-۱-۵- مشیت محوری.....	۲۹
۲-۲-۱-۶- مداومت و پیوستگی	۳۰
۲-۲-۱-۷- سرعت	۳۰
۲-۲-۱-۸- عقلانی بودن	۳۱
۲-۲-۱-۹- منشأ کلی بودن اصول اخلاقی و تجربی بودن مسائل اخلاقی	۳۳

بخش سوم: اخلاق در دنیای متجدد

فصل اول : ماهیت دنیای متجدد

مقدمه.....	۳۸
۳-۱-۱- اخلاق در غرب.....	۳۹
۳-۱-۲- علم و تکنولوژی جدید.....	۴۲
۳-۱-۳- زندگی سیاسی اجتماعی اقتصادی دنیای متجدد.....	۴۴
۳-۱-۳-۱- زندگی سیاسی.....	۴۴
۳-۱-۳-۲- زندگی اجتماعی	۴۵
۳-۱-۳-۳- اقتصاد دنیای متجدد.....	۴۶

فصل دوم : مبانی زمانه شناسی اسلام و دنیای متجدد

مقدمه.....	۴۹
۱-۲-۳- ملاک تشخیص پیشرفت ها و انحطاطهای زمانه.....	۵۰
۲-۲-۳- ضرورت پیشرفت در اسلام و ماهیت قوانین آن.....	۵۲
۳-۲-۳- مکانیسم انطباق اسلام با مقتضیات زمانه.....	۵۴

فصل سوم : اخلاق و پیشرفت ارزشهای نوین در جهان انقلابی

مقدمه.....	۵۷
۱-۳-۳- اخلاق و آزادی.....	۵۸
۲-۳-۳- اخلاق و سوسیالیسم.....	۶۱
۳-۳-۳- دگرگونی مفاهیم اخلاقی.....	۶۳
۴-۳-۳- از اخلاق فتودالی تا اخلاق سرمایه داری و فروپاشی آن.....	۶۴
۵-۳-۳- آشفته گی اجتماعی.....	۶۷
نتیجه گیری.....	۶۸
فهرست منابع.....	۶۹

مقدمه

هدف نهایی نبوت رسیدن انسان متعالی به لقاءالله است، اخلاق، شناسنامه حقیقی ماست که هم در دنیا و هم در قبر، برزخ و قیامت کبری ما را همراهی می‌کند. انسان در دنیای امروزی با پدیده‌های متفاوت با مسائل دوران ظهور اسلام مواجه می‌شود، که از جمله این پدیده‌ها، مسئله تجدد است، توجه به تغییراتی که انسان در طول دوران‌های مختلف، جوامع بشری به خود می‌بیند، این تفکر غلط در بین مردم جهان بوجود آمده است که، همزمان با تغییرات موجود، ماهیت اخلاق و دین و اخلاقیات انسان‌ها نیز باید همراه با مقتضیات زمان، تغییر یابد و به اصطلاح رو به دنیای متجدد بیاورند، و اخلاق و پیشرفت، در کنار هم نمی‌توانند به سعادت انسان کمک کنند. چون مبنای درستی از آزادی ندارند، فکر می‌کنند که اخلاق، مانع آزادی است و بر اساس همین فکر غلط، می‌گویند که باید انسان در زندگی حیوانی کاملاً آزاد باشد. آیا این نوع از آزادی، با شان و منزلت انسان سنجیتی دارد؟ آیا افراط در غرایز شهوانی آدمی را به کمال مطلوب می‌رساند و باعث رشد ترقی و تعالی می‌شود؟ و قابلیت‌های انسان را شکوفا خواهد کرد؟ بر همین اساس، ضرورت بررسی اخلاق در دنیای متجدد دست یافتن به علل انحطاط اخلاقی در دنیای متجدد است. این پژوهش به روش کتابخانه‌ای انجام شده، و هدف از پرداختن به این تحقیق؛ اثبات این مسئله است که، دوری انسانها از دین، دنیا زدگی و تغییر و تحولات در زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بدون توجه کردن به حفظ اخلاق دینی باعث انحطاط اخلاقی در دنیای امروزی می‌گردد.

بخش اول:

کلیات

فصل اول:

طرح نامه

۱-۱-۱- تعریف و تبیین موضوع

«اخلاق جمع خلق، در دانش نامه امام علی (علیه السلام) اخلاق به معنای نیرو و سرشت باطنی انسان است که تنها با دیده بصیرت قابل درک است.»^۱

«تجدد، به معنای نو شدن، تازه شدن، طرفدار امر تازه بودن است.»^۲ «ودر فرهنگ علوم سیاسی، تقابل بین قدیم و جدید است، که پس از قرون وسطی به بعد، آغاز شد و اصولاً مفهومی است که در علم تکنولوژی فلسفه، هنر، معماری و جز اینها نمود می‌یابد.»^۳

اخلاق در دنیای متجدد همان، خوی‌ها، غرایز و ملکات و صفات و نیرو و سرشت روحی و باطنی است که انسان، در دنیای امروزی با توجه به آداب و رسوم تازه کسب می‌کند، تا به سعادت حقیقی و کمال انسانی برسد. اخلاق در دنیای متجدد شامل ابعاد اعتقادی مذهبی فردی اجتماعی اقتصادی هنری روحی و روانی و غیره می‌شود.

دوری انسان‌ها از دین و دنیا زدگی و تغییر و تحولات در زندگی اجتماعی سیاسی و اقتصادی بدون توجه کردن به حفظ اخلاق دینی باعث انحطاط اخلاقی در دنیای امروزی می‌گردد، برای مثال، در دوران قدیم دین و اخلاق با هم می‌زیسته‌اند، اما از دوره رنسانس در جهان غرب به تدریج نقش دین در صحنه روابط انسانی کم رنگ شد و تلاش‌هایی از سوی برخی متفکران غرب در کنار نهادن

^۱ -دانش نامه امام علی (علیه السلام). زیر نظر علی اکبر رشاد. ج. ۴. ص. ۱۰۰

^۴ -فرهنگ علوم سیاسی. علی آقابخشی و مینوافشاری راد. ۴۲۴

دین از صحنه جامعه صورت گرفت. و علت اینکه به این تحقیق پرداخته شده این است که، به علل انحطاط اخلاقی پی برده شود، تا خواننده بتواند آن را در صحنه اجتماع و زندگی شخصی بکار برد.

۲-۱-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق

همان طور که می‌دانیم پیشوایان دینی در مقام ارائه دینداران واقعی، به مسائل اخلاقی اهمیت بیشتری داده‌اند. برای مثال امام صادق (علیه السلام) فرمود «به رکوع و سجود طولانی افراد نگاه نکنید زیرا چه بسا این اعمال برای آنان عادت شده است به گونه ای که اگر آن‌ها را ترک کنند ناراحت می‌شوند. در عوض برای تشخیص دینداریشان به راستگویی و امانتداری ایشان نگاه کنید.» از این سخن بر می‌آید که مسائل اخلاقی جزء دین هستند و نه رنگ و لعابی برای آن، به گونه‌ای که بدون آنها دینداری تحقق نمی‌پذیرد. همچنین از این روایات بر می‌آید که مسائل اخلاقی معیار بهتری برای تشخیص دینداری افراد هستند. بنابراین در ارزیابی و سنجش دینداری نباید به رفتارهای عبادی بسنده کرد، بلکه میزان پایبندی شخص به رفتارهای اخلاقی را نیز باید در نظر گرفت. برای نشان دادن اهمیت بیشتر اخلاق اشاره به حدیثی از پیامبر (صل الله علیه وآله وسلم) می‌تواند مفید باشد. پیامبر اکرم (صل الله علیه وآله وسلم) فرمودند: «انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» من برای تکمیل کرامت‌های اخلاقی مبعوث شده‌ام. این حدیث نشان می‌دهد که هدفهای بعثت در تکامل اخلاقی انسان‌ها خاصه شده است. اخلاق به عنوان یکی از علوم کاربردی ارزشی جز به کار بستن در مقام عمل ندارد و آموختن آن بدون استفاده در میدان عمل اگر زیان به بار نیاورد سودی نخواهد بخشید. باتوجه به اینکه ما در دنیای جدید با پیشرفت علوم و فنون در عرصه‌های مختلف مواجه هستیم و با توجه به اینکه، همه این پیشرفتهای باعث رفاه و آسایش در زندگی انسان شده است، این انتظار می‌رود که همراه با این رفاه، اخلاق انسانی نیز به کمال و پیشرفت حقیقی خود برسد. ولی با کمی تأمل و دقت در می‌یابیم که چنین نشده، بلکه اخلاق در دنیای امروزی و مدرن روبه انحطاط و زوال است.

برای همین ضرورت بررسی اخلاق دوردنیای متجدد دست یافتن به علل انحطاط اخلاقی دوردنیای متجدد و عدم وجود منابع و کتابهای جامع و مورد نیاز که از ابعاد و دیدگاهها و نظرات دانشمندان امروزی به آنها پرداخته شود می‌باشد.

طرحنامه تفصیلی، با هدایت و مساعدت استاد راهنما تکمیل می‌شود.

۳-۱-۱- اهداف و فوائد تحقیق

هدف کلی: هدف از پرداختن به این تحقیق؛ اثبات این مسئله است که، دوری انسانها از دین، دنیا زدگی و تغییر و تحولات در زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بدون توجه کردن به حفظ اخلاق دینی باعث انحطاط اخلاقی در دنیای امروزی می‌گردد.

اهداف جزئی: آگاه کردن خواننده بر اهمیت و آثار اخلاق و اهمیت اخلاق در قران و عترت، آگاه کردن مخاطب بر مبانی زمانه شناسی اسلام و دنیای متجدد، آگاه کردن مخاطب با عدم منافات آزادی و اخلاق، آگاه کردن مخاطب بر ملاک تشخیص پیشرفته‌ها و انحطاط‌های زمانه، آگاه کردن مخاطب بر مکانیسم انطباق اسلام با مقتضیات زمانه، آگاه کردن مخاطب با اخلاق فئودالی و سرمایه داری، آگاه کردن مخاطب بر ماهیت دنیای متجدد و همچنین هدف از این تحقیق معرفی کردن اخلاق صحیح و آشنا کردن خوانندگان عزیز با فضایل اخلاقی که از ویژگیهای نظام اخلاقی اسلامی می‌باشد است، که از این طریق بتوان انسان را به سعادت حقیقی و آرامش روحی برسانیم.

۴-۱-۱- پیشینه موضوع تحقیق

بی شک بحثهای اخلاقی از زمانی که انسان گام بر روی زمین گذارد آغاز شد زیرا ما معتقدیم که حضرت آدم (علیه السلام) پیامبر خدا بود نه تنها فرزندان را با دستورهای الهی آشنا ساخت بلکه خداوند از همان زمانی که او را آفرید و ساکن بهشت ساخت مسائل اخلاقی را با اوامر و نواهی اش به او

آموخت. اما اینکه علم اخلاق از چه زمانی در اسلام پیدا شد و مشاهیر این علم چه کسانی بودند داستان مفصلی دارد که در کتاب گرانبهای «تَأْسِيسُ الشَّيْعَةِ لِغُلُومِ الْإِسْلَامِ» نوشته‌ی آیت الله صدر به گوشه‌ای از آن اشاره شده است نامبرده این موضوع را در سه بخش تقسیم کرده:

الف) می‌گوید اولین کسی که علم اخلاق را تاسیس کرد امیرالمومنین بوده که در نامه معروفش به فرزندش امام مجتبی (علیه السلام) بعد از بازگشت از صفین، اساس و ریشه مسائل اخلاقی را تبیین فرمود و ملکات و صفات رذیلت به عالیترین وجهی در آن مورد تحلیل قرار گرفته است.

ب) نخستین کسی که کتابی به عنوان علم اخلاق نوشت اسماعیل بن مهران ابی نصر سکونی بود که در قرن دوم می زیست کتابی به نام (صِفَةُ الْمُؤْمِنِ وَ الْفَاجِرِ) تالیف کرد که نخستین کتاب شناخته شده اخلاقی در اسلام است.

این نکته قابل ذکر است که کتابهایی نیز در مورد دنیای متجدد نوشته شده که عبارتند از: جوان مسلمان و دنیای متجدد از سید حسین نصر اسلام سنتی در دنیای متجدد از سیدحسین نصر. اسلام و دنیای متجدد از حسین سوزنچی. بحران دنیای متجدد از رنه گنون. این نکته نیز حائز اهمیت است که بسیاری از کتب اخلاقی به عنوان کتب سیر و سلوک و بعضی تحت عنوان کتب عرفانی انتشار یافته است. و نیز بعضی از کتابها فصل یا فصول مهمی را به اخلاق تخصیص داده بی آن که منحصر به آن باشد که نمونه روشن آن کتاب بحارالانوار و اصول کافی است که بخش‌های زیادی از آن در زمینه مسائل اخلاقی می‌باشد و از بهترین سرمایه‌ها برای این علم محسوب می‌شود. تفاوتی که تحقیق اینجانب با تالیفات ذکر شده دارد اینست که تقریباً می‌شود گفت تحقیقی جامع و کلی از مباحث اخلاقی می‌باشد که در آن علاوه بر پرداختن به علم اخلاق و اهمیت آن و مباحث اخلاقی که از مشابهت‌های تحقیق اینجانب با تالیفات نامبرده است و در بخشی مستقل به اخلاق در دنیای متجدد پرداخته‌ام.

۵-۱-۱- سؤال‌های تحقیق

* سوال اصلی

اخلاق و دنیای متجدد چگونه باید باشد؟

* سوالات فرعی

تجدد به چه معناست؟

اخلاق به چه معناست؟

اخلاق در آیات اسلامی چگونه تعبیر و تفسیر شده است؟

اخلاق در روایات اسلامی چگونه تفسیر شده است؟

منظور از علم و تکنولوژی جدید چیست؟

زندگی سیاسی اقتصادی اجتماعی در دنیای جدید چگونه باید باشد؟

نمونه متعلم و معلم اخلاق چه کسی می باشد؟

اخلاق در غرب چگونه است؟

چرا نباید دین و اخلاق با همه تغییرات زمانه تغییر یابد؟

مکانیسم انطباق اسلام با مقتضیات زمانه چیست؟

پیشرفت در اسلام چه ضرورتی دارد؟

تهذیب نفس دارای چه اهمیتی است؟

اخلاق و سوسیالیسم چه ارتباطی باهم دارند؟

اخلاق سرمایه داری در جهان امروز چگونه است؟

چه آشفته‌گی‌هایی در اجتماع امروزی موجود است؟

ویژگیهای نظام اخلاقی اسلام چه می باشد؟

چه ارتباطی بین اخلاق و آزادی انسان وجود دارد؟

۶-۱-۱- فرضیه تحقیق

دوری انسان‌ها از دین، دنیا زدگی و تغییر و تحولات در زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، بدون توجه کردن به حفظ اخلاق دینی باعث انحطاط اخلاقی در دنیای امروزی شده است.

۷-۱-۱- روش تحقیق

در این تحقیق از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. و با مراجعه کردن به کتابها و نشریات و مقالات اینترنتی و با بررسی نظریات گوناگون، فرضیه این تحقیق به اثبات رسید.

۸-۱-۱- ساختار تحقیق

بخش اول: کلیات و مفاهیم

بخش دوم: اهمیت اخلاق و ویژگیهای آن

فصل اول: اهمیت علم اخلاق و شناسنامه اخلاقی

- اهمیت تهذیب نفس

- اهمیت اخلاق در قران و عترت

فصل دوم: ویژگیهای نظام اخلاق اسلامی

- علم و آگاهی

- اخلاص

- تعادل بین دنیا و آخرت

- نیت پاک

- مشیت محوری

- مداومت و پیوستگی

- سرعت
- عقلانی بودن
- منشا کلی بودن اصول اخلاقی
- بخش سوم: اخلاق در دنیای متجدد
- فصل اول: ماهیت دنیای متجدد
- اخلاق در غرب
- علم و تکنولوژی
- زندگی سیاسی اجتماعی اقتصادی
- فصل دوم: مبانی زمانه شناسی اسلام و دنیای متجدد
- ملاک تشخیص پیشرفت ها و انحطاط های زمانه
- ضرورت پیشرفت در اسلام و ماهیت قوانین آن
- مکانیسم انطباق اسلام با مقتضیات زمانه
- فصل سوم: اخلاق و پیشرفت ارزشهای نوین در جهان انقلابی
- اخلاق و آزادی
- اخلاق و سوسیالیسم
- دگرگونی مفاهیم اخلاقی
- از اخلاق فئودالی تا اخلاق سرمایه داری
- اخلاق سرمایه داری و فروپاشی آن
- آشتی اجتماعی

۹-۱-۱- واژگان کلیدی تحقیق

اخلاق

جمع خلق، اخلاق به معنای نیرو و سرشت باطنی انسان است که تنها با دیده بصیرت قابل درک است.^۱

تجدد

تجدد، به معنای نو شدن، تازه شدن، طرفدار امر تازه بودن می باشد و به کسی گفته می شود که آداب و رسوم تازه را کسب کرده باشد.^۲

توسعه Development

بهبود رشد و گسترش همه شرایط و جنبه های مادی و معنوی زندگی اجتماعی.^۳

سرمایه داری Capitalism

نظام اقتصادی مبتنی بر مالکیت خصوصی وسایل و ابزار تولید و قبول آزادی های فردی در فعالیت اقتصادی.^۴

فساد اخلاق Moral Turpitude

به اعمالی اطلاق می شود که خلاف عرف و عادت و مقبولات عموم مردم باشد.^۵

فئودالیسم

یک مرحله از سیر تکامل اجتماعی است که در آن قدرت در دست مالکین زمین های زراعی و روسای قبایل است و مالکین بزرگ و خان ها با استفاده از امکانات محلی خود یا با تشکیل نیروی مسلح

^۱ . دانش نامه امام علی (علیه السلام)، زیر نظر علی اکبر رشاد، ج ۴، ص ۱۰۰

^۲ محمود. فرهنگ جدید سیاسی، بی جا، انتشارات هفته، ۱۳۶۳، ص ۴۲۴

^۳ همان، ص ۱۷۹

^۴ همان، ص ۸۱

^۵ همان، ص ۴۲۹

که تحت فرمان خود دارند حکومت مستقلی برای خود تشکیل می‌دهند.^۱

تهاجم فرهنگی Cultural Inrasion

این اصطلاح مترادف اصطلاح امپریالیسم فرهنگی – خبری یعنی اعمال قدرت به منظور اشاعه ارزشهای فرهنگی امپریالیسم در میان ملل جهان سوم و خفه کردن فرهنگ این ملت‌ها است.^۲

انقلاب

به معنی تغییر اساسی و عمیق در زیر بنای تشکیلات سیاسی و اقتصادی یک جامعه است که معمولاً با اعمال خشونت همراه است.^۳

سوسیالیسم Socialism

سوسیالیسم از لغت فرانسه سوسیال به معنی اجتماعی گرفته شده بر اساس تقدم جامعه بر فرد و اولویت منافع و مصالح اجتماعی بر منافع فردی قرار گرفته و معنای بسیط آن موجب شده است که صاحبان عقاید بسیار متنوع و گوناگونی در زیر چتر آن گرد آیند.^۴

مدرن Modern

صفت ارزشی فرهنگی فلسفی و بینشی نسبت داده شده به دوره پس از رنسانس در برابر دوره‌ی قرون وسطی.^۵

۱۰-۱-۱- محدودیت‌ها، مشکلات و موانع تحقیق

- کمبود منابع کافی در کتابخانه‌ها

^۱ همان، ص ۸۳

^۲ همان. ص. ۱۵۶

^۳ همان. ص. ۲۱

^۴ همان. ص. ۷۶

^۵ همان. ص. ۴۲۴

- عدم دسترسی به منابع مناسب با تحقیق

- عدم ارتباط با محققین برجسته

فصل دوم :

مفاهيم

۱-۲-۱- مفاهیم اخلاق و تجدد، اخلاق در دنیای متجدد

«اخلاق جمع خلق، در دانش نامه امام علی (علیه السلام) اخلاق به معنای نیرو و سرشت باطنی

انسان است که تنها با دیده بصیرت قابل درک است.»^۱

«اخلاق در فرهنگ علوم سیاسی مفهوم مرتبط با شخصیت، خلق و خو، خصلتها و عاداتها، اخلاق،

رفتار انسان را در تمام جنبه‌های زندگی اجتماعی: کار، زندگی روزمره، سیاست، علم، خانواده، روابط

شخصی، درون گروهی، درون طبقاتی و بین المللی تنظیم کرده است.»^۲

«تجدد، به معنای نو شدن، تازه شدن، طرفدار امر تازه بودن است.»^۳ «در فرهنگ علوم سیاسی،

تقابل بین قدیم و جدید است، که پس از قرون وسطی به بعد، آغاز شد و اصولاً مفهومی است که در

علم تکنولوژی فلسفه، هنر، معماری و جز اینها نمود می‌یابد.»^۴

اخلاق در دنیای متجدد همان، خوی‌ها، غرایز و ملکات و صفات و نیرو و سرشت روحی و باطنی

است که انسان، در دنیای امروزی با توجه به آداب و رسوم تازه کسب می‌کند، تا به سعادت حقیقی و

کمال انسانی برسد. اخلاق در دنیای متجدد شامل ابعاد اعتقادی مذهبی فردی اجتماعی اقتصادی

هنری روحی و روانی و غیره می‌شود.

۱- دانش نامه امام علی (علیه السلام). زیر نظر علی اکبر رشاد. ج. ۴. ص. ۱۰۰

۲- فرهنگ علوم سیاسی. علی آقابخشی و مینوافشاری راد. ص. ۴۲۸

۳- فرهنگ عمید. حسن عمید. ص. ۳۵۰

۴- فرهنگ علوم سیاسی. علی آقابخشی و مینوافشاری راد. ص. ۴۲۴

دوری انسان‌ها از دین و دنیا زدگی و تغییر و تحولات در زندگی اجتماعی سیاسی و اقتصادی بدون توجه کردن به حفظ اخلاق دینی باعث انحطاط اخلاقی در دنیای امروزی می‌گردد، برای مثال، در دوران قدیم دین و اخلاق با هم می‌زیسته‌اند، اما از دوره رنسانس در جهان غرب به تدریج نقش دین در صحنه روابط انسانی کم رنگ شد و تلاش‌هایی از سوی برخی متفکران غرب در کنار نهادن دین از صحنه جامعه صورت گرفت. و علت اینکه به این تحقیق پرداخته شده این است که، به علل انحطاط اخلاقی پی برده شود، تا خواننده بتواند آن را در صحنه اجتماع و زندگی شخصی بکار برد.

بخش دوم:

اهمیت اخلاق و ویژگی‌های آن

فصل اول :

اهمیت علم اخلاق و شناسنامه اخلاقی

مقدمه

آشنایی انسان با اهمیت اخلاق و تهذیب نفس، انگیزه‌ی فراگیری علم اخلاق را در انسان بیشتر می‌کند، هرچه انسان اهمیت راه را بهتر درک کند در پیمودن آن موفقتر است. انسان، نیازمند به فراگیری همه‌ی معارف الهی هست. لیکن در شرایط کنونی نیاز به علم اخلاق و به دنبال آن تهذیب روح بیشتر است. اگر روح، تهذیب نشود نه تنها انسان از امکانات، بهره‌ی خوب نمی‌برد بلکه ممکن است امکانات بیشتر نتیجه‌ی سوء بیشتری را به دنبال داشته باشد.^۱

ما در دنیا در شرایط اقلیمی و اجتماعی خاص زندگی می‌کنیم و ناچاریم شناسنامه‌ای به همراه داشته باشیم. مشخصات قبیله، نژاد، قوم و ... شناسنامه‌ای طبیعی است که در هر نقطه‌ای حتی در جایی که اداره‌ی آمار نباشد، چنین شناسنامه طبیعی وجود دارد. خدای سبحان در سوره «حجرات» می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا»^۲ ما این

شناسنامه‌ی طبیعی را همراه با آفرینش انسانها خلق کرده ایم تا یکدیگر را شناسایی کنید

شناسنامه خواه آماری باشد یا طبیعی، که از اقیم و نژاد و قوم و خویش نشئت گرفته، بیرون از قلمرو جان ماست. اما اخلاق، شناسنامه حقیقی ماست که هم در دنیا و هم در قبر، برزخ و قیامت کبرا ما را همراهی می‌کند.

^۱ - آیت الله جوادی آملی. همان کتاب، ص ۴۳

^۲ - سوره حجرات آیه ۱۳

۱-۱-۲- اهمیت تهذیب نفس

قرآن کریم، تزکیه نفس را برجسته‌ترین هدف رسالت عامه دانسته است. گرچه در بخشی از آیات، تزکیه نفوس از برنامه های رسول اکرم (صل الله علیه و آله وسلم) دانسته شده؛ ولی دعای حضرت ابراهیم خلیل (علیه السلام) این است که «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ»^۱.

«خدایا در بین مردم، پیامبری مبعوث کن که آیات تو را بر آنها تلاوت و آنها را پس از علم به کتاب و حکمت، تزکیه کند». این مسئله هم، هدف نوع انبیاست و هم اهمیت آن به قدری است که هر انسان عاقلی آن را می خواهد و مایل است سعادت خود را به دست آورد.

افزون بر آنچه گذشت، مشکلات جامعه را نیز اخلاق حل می‌کند؛ اعتماد به یکدیگر و عمل به وظیفه از سوی هر کارگزار، مشکل جامعه را حل می‌کند و کسی که شغل آزاد دارد، اگر در همان محدوده‌ی کسب اخلاقش، مزین به اخلاق الهی باشد مردم هم از طرف او در رفاه خواهند بود. کارمند دولت نیز در کارگزاری دولتی اگر مهذب باشد، مراجعان از او راضی‌اند. مشکلات مالی و اقتصادی کم و بیش در هر جامعه‌ای هست، ولی هرگاه فشار اقتصادی، انسان عاقل آزاده را وادار نمی‌کند که روحش را برای ابد، تیره کند و این به سود هیچ کس نیست، به سود دیگران نیست چون دیگران را در فشار قرارداد و چیزی را بی حساب از کسی گرفتن و کار کسی را به تأخیر انداختن، به سود آنها نیست، به سود خود شخص هم نیست. گناه قبل از اینکه به دیگری ضرر بزند، به گناهکار ضرر می‌زند، همان طور که هیزم پیش از آنکه پارچه را بسوزاند، ماده و بدنه خود را می‌سوزاند. گناه آتش است و قبل از

^۱ سوره بقره. آیه ۱۲۹

اینکه به کسی آسیب برساند، خود گناهکار را می‌سوزاند. از این رو، قرآن کریم، از ظالمان، تعبیر به «حطب» یعنی هیزم می‌کند: «وَأَمَّا الْفَاسِقُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا»^۱ «ظالمان هیزم جهنمند» هیچ عاقلی، حاضر نیست بسوزد و کسی که دست به تبهکاری می‌زند خیال می‌کند گناه، امری اعتباری است و امر اعتباری با گذشت دوره اعتبار، از حوزه‌ی حقیقت، رخت برمی‌بندد؛ غافل از این که گناه امری حقیقی است و ریشه تکوینی دارد. چنان که ثواب، امری حقیقی تکوینی است و اعتبار و قرارداد نیست که بر اثر تغییر زمان اعتبار و مکان قرارداد، عوض شود.^۲

حال از نظر آیت الله جوادی آملی منظور از حسن خلق به معنای گشاده رویی و خنده رو بودن و ... نیست، گرچه آنها نیز به موقع خود سودمند است. حسن خلق، گاهی دندان بر جگر گذاشتن و مشکل را تحمل کردن است. اگر باطلی و گناهی به انسان پیشنهاد شود، باید دندان به جگر نهاده حق را رها نکند و باطل را ترک کند؛ در سخنان علی (علیه السلام) آمده است: «نِعْمَ الْخُلُقُ التَّصَبُّرُ فِي الْحَقِّ»^۳ «بهترین خلق صابر و بردبار بودن بر پایگاه حق است.»

گاهی برای انسان حادثه‌ای جزئی پیش می‌آید و او با صبر، مشکل را حل می‌کند. در این جا اگرچه اصل کار حق، و تحمل در برابر باطل، سخت است اما این سختی، قابل تحمل است، مثلاً اگر انسان عادی بخواهد بار سنگینی ببرد سخت است و چون سنگین است، توانفرساست و تحمل می‌خواهد به این تحمل «تصبر» می‌گویند؛ یعنی انسان باید خیلی صابر باشد تا این بار را به مقصد برساند. این که گاهی انسان، زود عصبانی می‌شود و از حق می‌گذرد و به مرز باطل روی می‌آورد برای آن است که تصبر ندارد و نمی‌تواند این بار را ببرد، و به اصطلاح «بردبار» نیست.^۴

^۱ - سوره جن. آیه ۱۵

^۲ - آیت الله جوادی آملی. همان کتاب، ص ۱۶۷ و ۱۶۸

^۳ - نهج البلاغه. نامه ۳۱

^۴ - آیت الله جوادی آملی، ص، ۱۵۸

۲-۱-۲- اهمیت اخلاق از نظر قرآن و عترت

قرآن کریم به مسئله اخلاق، چنان بها می دهد که آن را جزو اهداف اصیل نبوت عام می شمارد و زندگی انسان ها را در سایه ی اخلاق، زندگی سعادت مند می شمرد و انسانی را که متخلق به اخلاق الهی نیست، خاسر و سرمایه باخته می داند. خداوند در سوره «عصر» قسم یاد می کند که نوع انسان ها به استثنای گروه خاص در خسارتند :

«وَالْعَصْرِ. إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ^۱»

از این رو در قیامت سرمایه باختگان، از شدت افسوس، هر دو دست خود را به دندان می گزند! «وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا^۲»، در دنیا کسی که ضرر می کند و پشیمان می شود، از ناراحتی انگشت سبابه را می گزند- و در ادبیات عرب «سبابه ی متندم» معروف است- ولی در قیامت، انسان خسارت دید، از شدت پشیمانی هر دو دست خود را می گزد؛ زیرا در دنیا همه ی سرمایه ها را باخته و در قیامت، هم راهی برا تحمیل سرمایه و یا کسب و کار نیست. انسانی که در دنیا ورشکست شود و سرمایه را ببازد، می تواند از درآمد کارگری ساده ای خود را تأمین کند؛ ولی اگر انسان در قیامت، ورشکست شود، چاره ای جز فقر و مذلت ندارد و کسی هم نیست که به نیاز این فقیر، در آن روز پاسخ بدهد پس اهمیت و عظمت اخلاق و تهذیب روح، به آن جهت است که انسان متخلق و مهذب سود همیشگی می برد: «يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ^۳» و شخص آلوده، خسارت ابدی می بیند.

^۱- سوره عصر، آیه ۱ و ۲

^۲- سوره فرقان، آیه ۲۷

^۳- سوره فاطر، آیه ۲۹

عزت طاهرین نیز بیش از هر چیز درباره اخلاق سخن گفته اند و مهمترین بحث اخلاقی را هم امیرالمؤمنین (علیه افضل صلوات المصلین) در خطبیه تقوائیه ای که برای «همام» ایراد کردند فرموده‌اند: «... فَالْمُتَّقُونَ فِيهَا هُمْ أَهْلُ الْفَضَائِلِ مَنْطِقُهُمُ الصَّوَابُ»^۱. اولین فضیلتی که حضرت برای مردان با تقوا یاد می‌کند این است که منطق و فکر کردن آنان صائب است. سپس می‌فرماید: «مَلْبَسُهُمُ الْاِقْتِصَادُ»^۲ که بر همان رکن اول و دوم سوره ی «عصر» منطبق می‌شود. البته منطق، تنها حرف زدن نیست «مَنْطِقُهُمُ الصَّوَابُ»^۳ یعنی، شیوه ی عملی، روش و گفتار و نوشتار آنان صواب و درست است، زیرا اندیشه ی آنان صائب است.

آنگاه بعد از چند جمله، که عظمت روح متخلفان و متقیان را ذکر می‌کند، می‌فرماید «عَظُمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ»^۴، یعنی تنها چیزی که در دیدگاه و جان آنان، بزرگ جلوه می‌کند خداست و غیر خدا هرچه هست کوچک است؛ مگر چیزی که مانند رسالت، ولایت، وحی و شریعت صبغه ی الهی داشته باشد؛ زیرا مردان با تقوا به شعایر الهی با دید تکریم نگاه می‌کنند: «وَمَنْ يُعَظِّمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»^۵. در عبارت «فَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ» «دون» به معنای «سوی» و «مادون» یعنی «ماسوی» یعنی، هرچه که صبغه ی الهی ندارد، پیش اینها حقیر است. و این جمله، با آیه ی کریمه تعظیم شعائر هماهنگ است.^۶

^۱ - نهج البلاغه. خطبه ۱۹۳

^۲ - همان خطبه

^۳ - همان خطبه

^۴ - نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳

^۵ - سوره حج، آیه ۳۲

^۶ - آیت الله جوادی آملی. همان کتاب. ص ۲۴۰-۲۳۹

فصل دوم:

ویژگیهای نظام اخلاق اسلامی

مقدمه

اسلام، منظومه بزرگ و عظیمی است که به امر خداوند متعال در آن، نظام‌های گوناگونی برای سامان دادن امور بشر، در نظر گرفته شده است: نظام فقهی-حقوقی، نظام سیاسی اجتماعی، نظام اقتصادی و نظام اخلاقی. همه این نظام‌ها در رابطه با هم و به صورت هماهنگ، عهده دار سعادت و نیک بختی انسان هستند. هر کدام از این نظام برای خود، ویژگی‌هایی دارند که در مقایسه با ادیان و مکاتب دیگر، منحصر به فرد می‌باشند. از آنجا که موضوع ما «اخلاق» است، در اینجا امتیازات و ویژگی‌های نظام اخلاقی اسلام را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۲-۲- ویژگی‌های نظام اخلاق اسلامی

۱-۱-۲-۲- علم و آگاهی

یکی از ویژگی‌های بارز اخلاق اسلامی، انجام دادن کارها با علم و آگاهی است. انسان اخلاقی باید بکوشد و به هر مقدار که توان دارد از کارهایی که انجام خواهد داد، علم و آگاهی پیدا کند، زیرا عمل کردن بدون علم، چه بسا مفاسدی در پی داشته باشد. از قول معصوم (علیه السلام) روایت شده است که: «هر کسی از روی ناآگاهی، عملی را انجام دهد، فساد آن بیشتر از جنبه اصطلاحی‌اش است»^۱. بی بصیرتی و ناآگاهی از عمل، خروج از صراط حق است. چنان که امام صادق (علیه السلام) فرمود: «عمل کننده ناآگاه و غیر بصیر، همچون رونده‌ای است که به بیراهه می‌رود و سرعت رفتن او هم جز دوری از مسیر نتیجه دیگری ندارد»^۲.

اساساً خداوند متعال، اعمال و کردار کسانی را خواهد پذیرفت که کارهای خود را از روی علم و آگاهی انجام دهند.

۲-۱-۲-۲- اخلاص

همه کردار نیک را با اخلاص می‌شناسند و به محض شنیدن کار خالصانه، آن را اخلاقی قلمداد می‌کنند. اساساً عملی نزد خداوند پذیرفته شده است، که همراه با اخلاص باشد. امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

^۱ -عباس. محفوظی. اخلاق اسلامی. قم. انتشارات مشهور. ۱۳۸۸. ص ۱۲۳

^۲ -همان کتاب. ص ۱۲۳

«عمل تو پذیرفته نمی‌شود مگر اینکه خالصانه باشد.»^۱

اخلاص، شرط اصلی همه رفتارهای بیرونی و درونی هر انسانی است، در عبادت‌ها نیز باید توجه کرد که آنها را با اخلاص به جا آورد. فقیهان، اخلاص را شرط صحت عمل، حکیمان شرط قبول و عارفان، آن را شرط وصول دانسته‌اند.

«وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ»^۲.

«به آن‌ها جز این دستور داده نشده که خدا را با اخلاص پرستش کنند.»

اخلاص با علم و بصیرت که در ویژگی اول به آن اشاره کردیم – هم رابطه دارد، بدین صورت که علم و معرفت، یکی از عوامل اخلاص در انسان است. واقعیت این است که نظام اخلاقی اسلامی، با سوق دادن انسانها به سوی اخلاص آنها را به سمت کام یابی واقعی کشانده است، تا بتواند دنیا و آخرت خویش را آزاد گرداند.

۳-۱-۲-۲- تعادل بین دنیا و آخرت

بسیاری از کسانی که با تعالیم عرفانی و اخلاقی آشنا شده‌اند، به نوعی خود را از دنیا و نعمت‌هایش دور کرده‌اند، به طوری که از خانه، زن، فرزند جدا شده، و به برنامه ریزی‌های اقتصادی و معیشتی فکر نمی‌کنند. این طرز تفکر در اوایل ظهور اسلام نیز در برخی از مسلمانان بروز کرد، یعنی وقتی سخنان پیامبر را در مورد مسائل اخلاقی و عرفانی و عبادی شنیده بودند، شدیداً متأثر شده و فکر کردند که برای رسیدن به مقامات معنوی باید از فعالیت اقتصادی و اجتماعی، کناره‌گیری کنند،

^۱ - آمدی، عبدالواحد. ترجمه: انصاری. محمدعلی. غرر الحکم. بی‌جا. موسسه انتشاراتی امام عصر (عج) ۱۳۷۸

^۲ - سوره بینه آیه ۵

اما پیامبر (صل الله علیه) وقتی این استنباط غلط آنان را دید به شدت به مبارزه برخاست و با این اندیشه انحرافی مبارزه کرد.^۱ در باره این مسئله خداوند متعال آیه‌ای نازل فرموده‌اند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»^۲

«ای مومنان چیزهای پاکیزه را که خداوند بر شما حلال کرده را حرام نکنید و تعدی ننمایید که خداوند متعدیان را دوست ندارد».

دقت در این گونه آیات نشان می‌دهد که یکی از ویژگی‌های نظام اخلاقی اسلامی، تعادل بین دنیا و آخرت است.

۴-۱-۲-۲- نیت پاک

در نظام اخلاقی اسلام، نیت پاک و خالص جایگاه ویژه‌ای دارد. در اسلام عملی قبول است که علاوه بر درست بودن آن کار، باید انجام دهنده آن نیز با نیت درست و پاک آن را انجام داده باشد، در غیر این صورت آن عمل مانند یک کالبد بی جان است.

امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرموده‌اند:

«اعمال صالح جز با نیت پاک و صالح کامل نمی‌شود».^۳

لازم نیست که ما فقط کاری را انجام دهیم تا مجازات یا پاداش داده شویم، بلکه با نیت هم چنین اتفاقی می‌افتد. چون اساساً خود نیت هم عمل است.

قرآن کریم سرگذشت قوم ثمود و پی کردن ناقه صالح پیامبر را نقل می‌کند که نیت و رضایت قلبی انسانها را نسبت به کار دیگران، در خوش بختی و بد بختی و عزت و ذلت آنان سرنوشت ساز دانسته است.

^۱ - عباس. محفوظی. همان کتاب. ص ۱۲۸

^۲ - سوره مائده آیه ۸۷

^۳ - غرر الحکم، ج ۶، ص ۴۰۵

۵-۱-۲-۲- مشیت محوری

یکی دیگر از ویژگی های نظام اخلاقی اسلامی، مشیت محوری است. یعنی انسان مسلمان و پرهیزگار، هر گاه عزم خود را بر انجام عملی جزم کرده، خود را در آن کاری که انجام می‌دهد مستقل ندانسته، و از مشیت خداوند که تمامی قدرت‌ها از او ناشی شده است، غافل نیست. و با آگاهی و معرفت، یقین دارد که همه قدرت‌ها از خداست.

از نظر اسلام، اگر فردی اعمال صالح و رفتارهای اخلاقی را بدون پشتوانه خداوند قادر متعال انجام دهد مقبول نیست. قرآن کریم افرادی را که خود را در انجام کارهای نیک، مستقل می‌پندارند و برای خویش، استقلالی در مالکیت قائلند مذمت کرده است، برای نمونه، در سوره کهف، سرگذشت دو مرد باغدار را نقل می‌کند که یکی از آن دو، به باغ زیبا و پر میوه خود می‌بالد و مغرورانه می‌گوید که این کار مثبت، نتیجه دانش و فعالیت خودم بوده است و از خدا و معادل غافل می‌گردد که سرانجام آن، نابودی باغ و محو برکت‌ها و نعمت‌های الهی می‌شود.^۱

«قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاكَ رَجُلًا. لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا. وَلَوْ لَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»^۲

«وضعیتش در حالی که با او گفت و گو می‌کرد و به او گفت: آیا به آن کسی که تو را از خاک، سپس از نطفه آفرید، آن گاه تو را به صورت مردی در آورد، کافر شدی؟ اما من می‌گویم: اوست خدا، پروردگار من و هیچ کس را با او شریک نمی‌سازم و چون داخل باغ شدی چرا نگفتی: ماشاء الله، نیرویی جز به قدرت خدا نیست».

^۱ - عباس. محفوظی. همان کتاب، ص ۱۳۴

^۲ - سوره کهف، آیه ۳۷-۴۴

۶-۱-۲-۲- مداومت و پیوستگی

عمل اخلاقی نیکو آن است که پیوسته و دائم باشد. زیرا چیزی که عمل را با ارزش نشان داده و به فرد و اجتماع، سود خواهد رساند، همین پیوستگی و مداومت در عمل است. اگر کارهای نیک و پسندیده مداوم باشد، بسیاری از وسوسه‌های شیطان و ضد ارزشها، کم رنگ خواهد شد. استمرار و تداوم کارهای نیک امری است که قرآن کریم آن را گوشزد فرموده است:

«الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ»^۱

«کسانی که همواره اموال خود را شب و روز و نهان و آشکارا، انفاق می‌کنند، پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود و نه بیعی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند.»

۷-۱-۲-۲- سرعت

یکی دیگر از ویژگی‌های نظام اخلاق اسلامی این است که توصیه کرده در امور نیک و پسندیده باید سرعت به خرج داد، زیرا تاخیر و مسامحه در کارهای خیر در بسیاری از مواقع اصل عمل را ضایع خواهد ساخت. از صفات انسانی مومن و پرهیزگار، این است که کارهای خوب را در موقع خود و با سنجیدگی و سرعت انجام دهد. اما این که چرا باید کارهای نیک را سریع و به موقع انجام داد؟ دلیل این است که اولاً: در مقابل انسان، حوادث مختلفی وجود دارد و زندگی انسان در میان لایه‌ها و رویدادهای تلخ و شیرین و سبک و سنگین قرار دارد. از این رو اگر کار خیر را به سرعت انجام ندهیم ممکن است حوادث و کارهای دیگر، آن را به دست فراموشی بسپارد.^۲

خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است:

^۱ - سوره بقره آیه ۲۷۴

^۲ - برگرفته عباس. محفوظی. همان کتاب ص ۱۳۹

«يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ»^۱

«در نیکوکاری می‌شتابند و آنها خود مردمی نیکوکارند.»

۸-۱-۲-۲- عقلانی بودن

دین اسلام در همه جنبه های آن بر پایه عقل است. مسلمانان، خداوند متعال را در همه تعالیم اسلامی اعم از اخلاقی، فقهی، فرهنگی، کلامی و سیاسی، از راه اندیشه و استدلالهای عقلی، اثبات و پرستش کرده‌اند. قرآن کریم و پیشوایان معصوم (علیه السلام) مردم را به سوی عقلانیت و بهره برداری از احکام عقلی سوق داده‌اند. بر این اساس، نظام اخلاقی اسلام هم با عقل و واقعیت‌های آن سر و کار دارد. در این نظام اخلاقی اگر توصیه به پرستش و نیایش خداوند متعال، عدالت مداری، امانت داری، احترام به پدر و مادر و استاد، توصیه شده است، همه بر اساس عقل است ما با عقل و اندیشه خود، درک می‌کنیم که خداوند خالق هستی است و همه خوبیها و ارزشها را او آفریده است. او خوب بودن عدالت و بد بودن ظلم را در نهاد و فطرت ما نهاده است و با کمک و راهنمایی عقل، متوجه می‌شویم که مسیر پروازشان تا بی نهایت یعنی تا قرب به خداوند است. با عقل و اندیشه می‌فهمیم که این دنیا و ارزشهای دنیوی برای ما کوچک‌اند، لذا به دنبال راه وسیع تری هستیم که خداوند متعال به ما نشان داده است. بدین ترتیب است که عقل محور تعالیم اخلاقی و عرفانی قرار می‌گیرد و هیچ تعارضی با قلب و دل ندارد، بلکه در یک هماهنگی کامل، انسان را در مسیر هدایت الهی به پیش می‌برد.^۲ پس، نتیجه‌ای که از این فصل گرفته می‌شود این است که انسان برای رسیدن به قرب الهی باید، خودش را به فضایل اخلاقی و ویژگی‌های نظام اسلامی آراسته کند، و از رذایل اخلاقی دوری کند. چون انسانی که خود را اشرف مخلوقات می‌داند نباید جاهل و ناتوانی و کبر و ریا، افراط و تفریط و

^۱ - سوره مومنون آیه ۶۱

^۲ - بر گرفته از عباس. محفوظی. همان کتاب، ص ۱۴۲-۱۴۱

عجله کردن در کارها، رفتار کردن از روی هوا هوس و بسیاری از زناایل اخلاقی دیگر را در خود
پرورش دهد، چون تمامی این صفات باعث دوری انسان از خالق خود و مبدا هستی، می‌شود.

۲-۲-۲- منشأ کلی بودن اصول اخلاقی و تجربی بودن مسائل اخلاقی

در قرآن کریم و سنت معصومین (علیهم السلام) این دو راه یعنی باید و نباید و بود و نبود کاملاً محسوس است. آنان هم از راه بود و نبود هشدار داده و تهدید کرده و گفته اند: انجام این کار، پایانش هلاکت و شقاوت و آن کار، پایانش حیات و سعادت است. و هم مستقیماً دستور تحریم یا ایجاب (باید و نباید) داده اند: همان دو کاری که پزشک می کند در ادله نقلی اعم از قرآن و روایت دیده شده است؛ و از همین جا اصول کلی اخلاق، نشئت می گیرد و چون این اصول برای شخص معینی نیست بلکه برای انسان از آن جهت که «انسان» است، یعنی برای فطرت آدمی است و این فطرت در همگان وجود دارد: «فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»^۱

لذا این اصول، «علم» می شود؛ در نتیجه هم قضایا، و مبانی و مبادی کلی دارد و هم فلسفه ی اخلاق، قابل توجیه است؛ ولی اگر اخلاق قضیه ای شخصی باشد، نه قابل استدلال است- برای این که علم و برهانی نیست- و نه فلسفه ای برای آن می توان ذکر کرد. بنابراین کلی بودن اصول و قضایایی که در درون علم اخلاق مطرح می شود، از یک سو نگرشی که به عنوان «فلسفه اخلاق» از بیرون به علم اخلاق می شود از سوی دیگر نشانه ی آن است که اخلاق، امری شخصی نیست، بلکه کلی است و پایگاهی ثابت و جاودانه دارد؛ زیر قضایای کلی بدون داشتن پایگاه ثابت و مجرد قابل فرض نیست. اگر

^۱ - سوره روم، آیه ۳۰

اخلاق امری شخصی باشد و پایگاهی ثابت، مجرد و جاودانگی نداشته باشد، نه از درون می‌توان برای آن اصول و قضایای کلی تبیین کرد و نه از بیرون می‌شود برای آن فلسفه و بر کلی ذکر کرد.^۱

تجربی بودن مسائل اخلاقی - علمی برهانی است که با قیاسهای منطقی و مقدمات تجربی و مانند آن، قابل اثبات باشد و چون اخلاق چنین نیست پس استدلالی نیست در حالی که اخلاق هم مانند علوم تجربی، برهانی است ولی صاحبان این رأی اخلاق را در حد سلیقه می‌دانند؛ از نظر مؤلف کتاب تفسیر موضوعی اینان انسان را درست نمی‌شناسند و از رابطه‌ی انسان با جهان حاضر و آینده، خبری ندارند.

قبلاً اشاره شد که پزشک، از آن جهت که صاحب علم تجربی است، از «بود و نبود» خبر می‌دهد و از آن جهت که معالج است، از «باید و نباید، سخن گفته و توصیه‌ی اخلاقی دارد و البته آنچه پزشک می‌گوید محصول تجربه اوست.

اخلاق به مایه سلامت یا بیماری روحی است نیز جزو علوم تجربی است که وحی از آن پرده برداشته، و گفته است: جهان هستی و هستی آفرین، کسانی را که از راه ظلم و فساد اخلاقی زندگی می‌کنند کامیاب نخواهد کرد و پایان ظلم، تعدی ربا و رشوه خواری و بدآموزی، هلاکت افراد، سقوط خانواده‌ها و ویرانی جامعه است. اینها مسائل تجربی است که روایات اسلامی از آنها پرده برداشته و قرآن کریم در تبیین اصول کلی آن فرموده است: «فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ»^۲.

«قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ»^۳.

^۱ - آیت الله جوادی آملی. همان کتاب. ۱۳۷۷، صفحه ۲۹-۳۰.

^۲ - سوره آل عمران، آیه ۱۳۷

^۳ - سوره نمل، آیه ۹۹

پس نتیجه می‌گیریم که، اخلاق الهی بر پایه وحدت پی ریزی شده و با دستمایه توحید، که اساس و محور جهان بینی الهی و اسلامی است، استقرار یافته است. و بین باید ها و نباید ها و هست و نیست ها ارتباط منطقی برقرار است.

بخش سوم:

اخلاق در دنیای متجدد

فصل اول :

ماهیت دنیای متجدد

مقدمه

با توجه به ماهیت دنیای متجدد نقش اساسی علم جدید و کاربرد آن، به صورت تکنولوژی در دنیای متجدد آنچنان عظیم است که فهم عمیق، و نه صرفاً صوری، ماهیت علم جدید برای مسلمانان، اعم از پیر و جوان، ضرورت دارد علاوه براین مسلمانان باید در باره رابطه میان علم جدید به عنوان ساختاری نظری و معرفتی نسبت به جهان مادی، با کاربرد آن در زمینه‌های گوناگون، از پزشکی گرفته تا صنعت، یا همه آنچه بنا به تعبیر مصطلح و رایج می‌توان تکنولوژی نامید، نیز مطالعه کنند. گرچه علم جدید تاحدودی برعلوم اروپایی قرون وسطایی و از آن طریق بر علوم اسلامی میتنی است و پیشینه و سابقه آن حتی به علوم یونان و مصرباستان می‌رسد، از نظر فلسفی به نحوی اساسی باهمه این علوم سنتی متفاوت است.^۱

^۱ - برگرفته از، سیدحسین نصر. جوان مسلمان و دنیای متجدد. بی. جا. انتشارات طرح نو ۱۳۸۸. ص ۲۶۳

۱-۱-۳- اخلاق در غرب

مطالعه اخلاقیات یونانی روشن میکند که در یک دوره زمانی بسیار طولانی عده زیادی از مردم خود را صادقانه پایبند این وظیفه میدانستند که به راستی با کمک عقل زندگی می‌کنند.

زمانی رسید که مسیحیان دشمنی روز افزونشان را نسبت به مکاتب فلسفی که معرف آخرین سنگ‌های بت پرستی بودند نمایان کردند. در اوایل قرن ششم کسانی که در آتن در معرفی این گونه اتهامات قرار داشتند سرکوب شدند. با این حال نمی‌توان تردید داشتن که دین جدید مسیحی در اوان خود ازیابوری یونانیان و رومیان درس خوانده‌ای شد که با برخورداری شد که بابرداشتی از شیوه زیستن که آرمانی اخلاقی، قواعد آن را تنظیم کند آشنایی داشتند.^۱

اخلاقیات قرون وسطی از لحاظ نظری چیزی چندان بیشتر از امتداد دلیل تراشی نبود: از آنجا که اصول کلی فضیلت به طور دائم و برای ابد مقرر شده بودند، امکان پیشرفت دیگری وجود نداشت مگر بسط شمول آنها بر موارد خاص و عام، و طبقه بندی کردن رفتار بر حسب ثواب یا گناهی که به آن تعلق می‌گرفت. در واقع رغبت مورخان اخلاقیات به این که راه و رسم قرون وسطایی را مورد جداگانه‌ای به حساب آورند دلایل زیادی دارد. چه بسا مسائلی که اهمیتشان را فقط در فضای منحصر به فرد همین دوره دارا هستند و چه بسا مسائل دیگری که به طور دردآوری ایجاد انزجار می‌کنند. جریان بدون وقفه زجر و سرکوب و پیگردی که در این دوره برقرار است و مداوماً هم بر شدت آن افزوده شد، شکوه یک عصر برجسته را برای بعضی کسان زایل می‌کند. انسان‌های سفاک در همه زمان ها وجود داشته‌اند، ولی کسی که بخواهد نظیری برای سفاکی قرون وسطایی پیدا کند باید تمدن را ترک کند و به نزد وحشیان برود. فقط در آنجاست که می‌توان نمونه‌های مشابه قتل عام‌ها، شکنجه‌ها، و سوزاندن‌های

^۱ - وارد، استفن. درآمد تاریخی به اخلاقی (ترجمه. حسن پویان) چاپ سعدی تهران ۱۳۷۴. صفحه ۴۵

قساوت آمیز راه به خاطر ذره‌ای بی حرمتی به فلان یا بهمان قانون نامعقول مشاهده کرد. برای کسانی که می‌توانند این جنبه از راه و رسم قرون وسطایی را اغماض کنند، این دوره لطف خاص خودش را دارد و این لطف به فلسفه‌اش هم سرایت پیدا می‌کند. در تیز هوشی، در دقت استدلال، در قدرت استنتاج، قرون وسطی از هیچ عصری کم نمی‌آورد.

در این دوره دیدگاهی وجود داشت که اخلاق و رفتار را مبتنی بر ملاحظات و پداند که موجبات بقای نوع رافراهم می‌کنند، این دیدگاه متضمن باز گشتی به نقطه نظر رواقی است که به موجب آن هدف زندگی این است که نوعی وفور و ازدیاد خودش را جامه عمل بپوشاند. وظیفه فطری بشر این است که از مقاصد زندگی آگاهی یابد، و با آن به یگانگی برسد، و هدفش ائتلاف چنان هماهنگی بین خود و محیطش باشد که اعمال با فضیلت را به صورت امری عادی از رنج و در عین حال (خودکار) درآورد.^۱

و اما در مورد پیشرفت های جاری دوران معاصر در اندیشه های اخلاقی کاری بیش از ملاحظه بعضی خصوصیات کلی نمی توان انجام داد. یکی از ویژگیهای برجسته آن شدت گرفتن روگردانی از ضابطه سازی یا تعیین تکالیف اخلاقی است. آزادی فرد در تصمیم گیری برای خودش، به عنوان نیازی واجب مورد قبول قرار گرفت. نگرانی غریبی که در مورد انجام مسائل اخلاقی وجود داشت، عملاً از بین رفت و ناپدید شد. به همان نسبتی که فرد آزادی عمل به دست آورد، اعتقاد به دولت به عنوان غایت اخلاقی هم افول کرد، و این نکته را باید از ویژگیهای مهم عصر حاضر به حساب آورد.

زندگی و فعالیت بشری نه به عنوان پیشرفتی در جهت نیل به آرمان اخلاقی، و نه حتی اصلاً به عنوان یک پیشرفت، بلکه به عنوان یک تجربه نگریسته می‌شود. تغییرات بدون وقفه و تنوع ابدی آنها، برخلاف تفسیر تقریباً غیرقابل اجتنابی که بر اساس تصورات لایتغیر عقل یا اخلاقیات پیدا

^۱ - همان. برگرفته از صفحات ۴۷ تا ۵۰

می‌کنند، یکی از خصایص اساسی زندگی و فعالیت بشر را در این دوران تشکیل می‌دهند و در واقع از خصایص اخلاق در غرب در دوران معاصر می‌باشد.^۱

^۱- همان، ص ۱۲۱

۲-۱-۳- علم و تکنولوژی جدید

تحولگرایی علمی، یکی از قدرتمندترین نیروها در دنیای متجدد است، بیش از هر چیز، یک احساس درونی کهنه در مقابل علم جدید در اکثر رشته های مطالعاتی دیگر مشهود است و این رشته ها می کوشند، از علم جدید، تقلید کنند. تابدانجا که امروزه، مقوله ای کلی از این رشته ها تحت نام علوم اجتماعی یا علوم انسانی شکل گرفته است و هر کدام از این رشته ها سعی دارند از روشهای علوم طبیعی تقلید کنند و تا سرحد امکان کمی و «دقیق» شوند. در مرحله بعد، این ضرورت و اضطرار فلسفی مطرح است که، همواره مفاهیم و معانی عالی تر، به معانی و مفاهیم پایین تر، تبدیل شود.

رابطه علم جدید با قدرت باعث دلمشغولی شماری از دانشمندان به مسئله مسئولیت اخلاقی شده است، زیرا اختراعات و کشفیات ایشان، که خود غالباً افرادی متواضع و اخلاقی هستند، به دارندگان قدرت امکان داده است تا به مدد انواع تسلیحات نظامی، از بمب های آتشزا گرفته، تا بمب های هیدروژنی، روشهایی برای کشتار جمعی ایجاد کنند، قطع نظر از آن که روشهای بی شماری نیز برای انهدام تعادل محیط طبیعی که اینک کل امکان حیات بر روی زمین را، در معرض تهدید و مخاطره قرارداده، در اختیار صاحبان قدرت گذاشته است. امروزه این سوال در دنیای متجدد مطرح شده است که مسئول اوضاع مصیبت بار کنونی که بشریت با آن مواجه است، کیست. تا همین اواخر، اکثر دانشمندان معتقد بودند که کار ایشان، جستجوی دانش است و ایشان مسئول نحوه استفاده ای که از اختراعات و کشفیات آنان می شود نیستند. این تلقی نتیجه تفکیک و جدایی بین علم و اخلاق بود که از همان آغاز تکوین علم جدید تاکنون ممیزه بارز علم جدید بوده است. ولی امروزه امکانات منفی کاربرد علوم آنچنان افزایش یافته و علاوه بر استفاده از علوم در ایام جنگ شامل انواع (سوء)

استفاده‌های از علوم در ایام صلح نیز شده، که عده‌ای از دانشمندان غربی پذیرفته‌اند که بواقع، مسئول اختراعات و کشفیات خود نیز هستند. ایشان پذیرفته‌اند که به هر حال از بابت مسلح کردن سیاستمداران یا گروه‌های دیگر به دانشی که از آن، بدون دغدغه رفاه کل بشریت، در جهت زیاده طلبی یا حتی تأمین مصالح ملی استفاده می‌کنند، مسئولند. با این حال، هنوز مسئله مسئولیت دانشمندان در قبال اختراعات و اکتشافاتشان در علم جدید، کاملاً حل نشده و همچنان به صورت یکی از معضلات عمده دنیای متجدد باقی است.^۱

جهان اسلام با اقتباس کورکورانه تکنولوژی غربی تنهای می‌تواند در طریق انهدام شتابان محیط زیست طبیعی، که امروزه با آهنگی باورنکردنی سرعت یافته است، بادنای متجدد همراه شود. جهان اسلام به عنوان جهانی که وحی قرآنی رادریافت کرده و امانت حمایت از سایر مخلوقات خداوند را بر دوش گرفته، در قبال جهان طبیعت مسئولیت ویژه‌ای دارد و نبایستی به بهانه ضرورت نوسازی و رسیدن به غرب، از ایفای وظایف خلیفه الهی، که همه مسلمین در مقام آدمیت برعهده دارند، سر باززنند.^۲

^۱ - برگرفته از همان کتاب. ص ۲۷۴-۲۷۵

^۲ - برگرفته از همان کتاب. ص ۲۷۶-۲۷۸

۳-۱-۳- زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی دنیای متجدد

۳-۱-۳-۱- زندگی سیاسی

برای نوشتن جنبه سیاسی دنیای متجدد، بایستی از الگوها و کنشها و واکنشها و حوادث بسیار پیچیده‌ای که صحنه سیاسی کنونی را فرا گرفته است فراتر رفت و درصدد دست یافتن به ریشه‌ها و علت‌هایی که اساس زندگی سیاسی جاری را رقم زده است برآمد.

برخلاف جهان اسلام که در آن از همان ابتدا هم زندگی دینی و هم زندگی دنیوی هردو از خود وحی مایه می‌گرفته، در مسیحیت، مرجعیت و اقتداردینی و دنیوی از همان آغاز جدای از یکدیگر بوده این سخن مسیح «کار خدا رابه خدا و کار قیصر را به قیصر» اعلام صریح جدایی دینی و دنیوی است. قرنهای متمادی در تمدن سنتی غرب دو منبع اقتدار وجود داشت: اقتدار معنوی که از نکته نظر مسیحیت برنهاد پایی و سلسله مراتب ناشی از آن مبتنی بود، و اقتدار دنیوی که از یک سو به امپراطوری مقدس روم و از سوی دیگر به سلاطین محلی که خود، بخش عظیمی از قدرت را به دیگران وامی‌گذاشتند، تعلق یافته بود. در خلال رنسانس قدرت جدیدی در غرب ظهور کرد که همان طبقه جدید بازرگانان یا اصطلاحاً بورژوازی بود. دو جنبه از حیات سیاسی غرب (یعنی دموکراسی و دیکتاتوری) مدتهای مدیدی با یکدیگر دست برگریبان بودند و کشمکشهای آنان به جنگهای بزرگ جهانی اول و دوم منجر شد. بعد از جنگ جهانی دوم دموکراسی بر جوامع غربی حاکم شد درک این نکته نیز مهم است که دموکراسی که امروز مقبولیتی عام و جهانی دارد و مطلوب همه مردم است در فرهنگهای مختلف معانی یکسانی ندارد. دموکراسی انگلیسی با فرانسوی یا ایتالیایی و یا حتی ایرلندی فرق دارد. اگر معنای دموکراسی مشارکت مردم در حکومت باشد، در این صورت اشکال متعددی از دموکراسی وجود دارد که علاوه بر حکومت‌هایی که بنابر ترتیبات نهادی در غرب دموکراتیک

خوانده می‌شده است، شامل بسیاری دیگر از اشکال حکومت که در بسیاری از جوامع غیر غربی، از جمله در جهان اسلام دایر است نیز می‌شود. با این حال، صورت نهادی شده دموکراسی در ترتیباتی همچون انتخابات، پارلمان، تفکیک قوا و نظایر آن که از متعلقات دولت دموکراتیک جدید است، به هیچ وجه در همه کشورهای گوناگونی که در دنیای متجدد به دموکراتیک موسومند، یکسان نیستند.^۱

۲-۳-۱-۳- زندگی اجتماعی

وقوع انقلابهای متعدد و تلاطماتی که در قرن‌های متمادی در جهان روی داد، باعث بروز تلاطماتی هم در ساختار زندگی اجتماعی در دنیای متجدد شد، در این میان گرچه ساختار سنتی اجتماعی غرب به نحوی اساسی ویران شد، اما به تمامی از بین نرفت.

مهمترین نیروی نهفته در پس این چنین تحولات و تبدلات ناگهانی و ناملایمی در نظام اجتماعی دنیای متجدد، همان چیزی است که به فردگرایی یا حقوق فرد موسوم شده است. فردگرایی یا مذهب اصالت فرد یکی از مهمترین عناصر فلسفی دنیای متجدد است. این نگرش در آمریکا بیش از اروپا است، این مکتب حق فرد را برتر از حق خداوند و تاحد امکان مقدم بر حقوق و جامعه می‌داند. مسئله روابط جنسی چه در چارچوب ازدواج و چه در خارج از چارچوب خانواده مثال مناسبی در این رابطه می‌تواند باشد که باعث به وجود آمدن بی بند و باریهای جنسی و اخلاقی در جوامع غربی شده است. یکی دیگر از عناصر مهم زندگی اجتماعی دنیای متجدد که بویژه در مورد اروپای غربی و آمریکا مطرح است، مسئله روابط میان نژادهای گوناگون است. اگرچه «مدرنیسم»^۲ یا تجدد عمدتاً در پای بند به مذهب اصالت فرد و حقوق فردی ریشه دارد، عنصر نژاد نیز، در تاریخ اروپا و به خصوص آمریکایپوسته نقش مهمی داشته است. در قرن سیزده تا نوزدهم که بسیاری از قدرتهای غرب و

^۱ - برگرفته از، همان کتاب. ص ۲۷۹-۲۸۴

^۲ - نوگرایی مدرنیسم Modernism. تلاش در جهت هماهنگ ساختن نهادهای سنتی با پیشرفت علوم و تمدن.

استعماری اروپا به بهانه جلوگیری از تجارت برده‌های سیاه توسط اعراب، آفریقا را اشغال کردند، هیچ کس دلوایس این مسئله نبود که بر سر برده‌هایی که به جز جزیره العرب برده شده بودند، چه آمده است. اگر این قدرتهای استعماری این مسئله را دقیق‌تر می‌کاویدند می‌توانستند ببینند که همه بردگانی که به جزیره العرب برده شده بودند کاملاً و تماماً در جامعه اسلامی جذب شده بودند و این وضع با آنچه در آمریکا بر سربرده‌ها آمده است بسیار تفاوت دارد. بنابراین، برای داوری کردن در باب نهادهای اجتماعی در غرب تنها نباید درباره عناصر هرج و مرج که بی شک وجود دارد و کل موجودیت جامعه جدید را تهدید می‌کند، مطالعه کرد. بلکه باید به استمرار نفوذ مسیحیت و یهودیت که به رغم همه مشکلات هنوز محسوس است و نیز حضور مداوم برخی فضایل دینی که طی قرون دردل و جان غریبان جاگیر شده است، نیز عنایت کرد، فضایی که به رغم طغیان بسیاری از مردم برضد دین، هنوز هم مستقر و همچنان خودنمایی می‌کند.^۱

۳-۱-۳-۳ اقتصاد دنیای متجدد

اقتصاد از ضروریات هر تمدنی است. در اسلام، اقتصاد هرگز یک رشته یا حوزه فعالیت مستقل و علی حده تلقی نشده است. از این رو در زبان عربی کهن ابدا کلمه‌ای وجود ندارد که معنای کنونی اقتصاد را برساند. در غرب از قرن یازدهم تا هفدهم کسانی مثل بیکن و هابزولاک، دست به نوشتن مطالبی در باره اهمیت اقتصاد و فعالیتهای اقتصادی پرداختند. و در بسیاری از زمینه‌ها اخلاق را از اقتصاد جدا دانستند، به زودی ریشه‌های دینی اقتصاد سرمایه داری کمابیش فراموش شد و در نتیجه زیاده رویهای این نوع اقتصاد که صرفاً براهمیت انگیزه ثروت اندوزی مبتنی بود، عکس العملی از جانب سوسیالیسم نسبت به سرمایه داری شکل گرفت که مارکس و بسیاری از متفکران سوسیالیست قرون سیزدهم تا نوزدهم و چهاردهم تابیستم از آن حمایت می‌کردند. سوسیالیستها می‌خواستند باتوزیع

^۱ - برگرفته از، سید حسین نصر. همان کتاب. ص ۲۸۸-۲۹۶

ثروت جلوی بی عدالتی اجتماعی را بگیرند و با قدرتی که سرمایه، اعمال می‌کرد، مخالف بودند. نزد کسانی که در غرب می‌خواستند اقتصاد را با اخلاق مربوط کنند، خود اخلاق تمایل صرفاً انسانی‌ای تلقی می‌شده که به دست انسان، پدیدآمده بوده است.

در اسلام، به عکس، نه تنها اقتصاد هیچ گاه مستقل از اخلاق دانسته نمی‌شده، بلکه خود اخلاق هرگز مستقل از دین تلقی نمی‌گردیده است. بنابراین، آنچه می‌توان اقتصاد اسلامی نامیدش، به واقع باید در چارچوب شریعت یا قانون الهی عمل کند و معنا بیابد. نظیر این چنین نظر و نگرشی را، امروزه در غرب، جز در میان مسیحیان و یهودیانی که هنوز از دین سنتی خود نگسسته‌اند. اما طایفه اقلیت بعضاً موثری را در قلمرو تصمیم‌گیری‌های اقتصادی تشکیل می‌دهند، دشوار می‌توان یافت.^۱

^۱ - همان کتاب. ص ۲۹۶-۲۹۸

فصل دوم :

مبانی زمانه شناسی اسلام و دنیای متجدد

مقدمه

با توجه به تغییراتی که در طول دوران‌های مختلف، جوامع بشری به خود می‌بیند، این تفکر غلط در بین مردم جهان بوجد آمده است که، همزمان با تغییرات موجود، ماهیت دین انسان‌ها نیز باید همراه با مقتضیات زمان، تغییر یابد و به اصطلاح رو به دنیای متجدد بیاورند، و دین و پیشرفت، در کنار هم نمی‌توانند به سعادت انسان کمک کنند. پس در این فصل به مبانی زمانه شناسی اسلام و دنیای متجدد پرداخته می‌شود تا ثابت شود که، ماهیت دین از اصول کلی ثابت تشکیل یافته و با مقتضیات زمان قابل تغییر نیست. هرچند در بعضی مسائل جزئی و فروع دین، قابل انطباق با مقتضیات زمانه است و اسلام هیچ مغایرتی با پیشرفت ندارد.

۱-۲-۳- ملاک تشخیص پیشرفت ها و انحطاطهای زمانه

وضع بشر نشان می دهد که وقتی به حکم عقل عمل می کند، راه صحیح را برگزیده و آنجا که از روی جهالت یا هواپرستی رفتار می کند، منحرف گشته است. پس مقیاس کلی این است که ببینیم چه عواملی تغییرات زمان را پدید آورده، یا به عبارت بهتر، عامل پدیده ی مورد نظر کدام یک از استعدادهای انسان بوده. آیا محصول علم است یا چیز دیگری نیز دخالت دارد؟ یا به عبارت دیگر، محصول علم آزاد است یا محصول علم اسیر و در بند؟ مثلاً با پیشرفت علم و با بهره گیری از شناخت حالات و قوانین نور، دستگاه فیلمبرداری اختراع شده است؛ ولی یک آدم پول پرست و هواپرست آن را وسیله ی خالی کردن جیب مردم و فاسد کردن اخلاقشان قرار می دهد و علم را برای ساختن فیلم های منحرف کننده به کار می گیرد: یعنی علم را به اسارت می برد. نمونه ای از علم که، اسیر هوا و هوس عده ای شده، پیشرفت های علمی درباره ی اتم است که چون با جاه طلبی ها آمیخته شد؛ به ساختن بمب اتم منجر گشت. آیا می توان گفت که بمب اتم چون پدیده ی این زمان است، از مقتضیات ضروری و مفید آن است و ما هم که می خواهیم با مقتضیات زمان هماهنگ شویم، باید از آن استفاده کنیم؟

برای همین مسائل است که معلمان اخلاق می گویند: صرف علم در وجود یک فرد، دلیل خوبی و کمالش نیست، بلکه باید دید علم وی آزاد است یا اسیر هوس های او. بعضی می گویند ک عصر، علم است، بلی، اما متأسفانه نه عصر علم آزاد، بلکه عصر اسارت علم. پس نباید با مقتضیات زمان به

طور کامل هماهنگی کرد، زیرا هنوز مدینه‌ی فاضله‌ی افلاطونی که علما در آن حاکم باشند، پدید

نیامده و علم علما هنوز در اختیار جاه طلب‌ها است.^۱

^۱ - برگرفته از: همان کتاب، ص ۳۴

۲-۲-۳- ضرورت پیشرفت در اسلام و ماهیت قوانین آن

اسلام نه تنها با پیشرفت مخالف نیست، بلکه مسلمانان را به پیشرو بودن در پیشرفت ها دعوت می کند، در قرآن کریم تمثیلی برای مؤمنین تابع پیامبر (ص) آمده است که با بحث ما ارتباط زیادی دارد:

«وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ»^۱.

مثل اینها در انجیل، این طور ذکر شده است که مثل دانه‌ای که در زمین کشت می‌شود. اول که سر می‌زند به صورت برگ خیلی نازک و لطیف است، ولی کم کم بیشتر از زمین بیرون می‌آید و آن برگ ضعیف محکم می‌شود. ساقه دار می‌گردد و کم کم این ساقه ضخامت پیدا می‌کند به اتکای خودش می‌ایستد. این وقت است که متخصصان کشاورزی را به تعجب وا می‌دارد و این حالت استقلال و رشد و تعالی، چشم دشمن را کور می‌کند. این مثلی که خداوند برای مسلمانان صدر اسلام زده، مثل رشد و تکامل است و اتفاقاً یکی از چیزهایی که سبب حیرت جهانیان شده، همین سرعت رشد مسلمان و به استقلال رسیدن آنها است. در این هنگام می‌توان پرسید: آیا این خاصیت رشد و تکامل فقط برای مسلمانان صدر اسلام بود یا برای اسلام است؟ یعنی هر وقت و هر جا مردمی واقعاً اسلام را پذیرفته، به آن عمل کنند همین خاصیت را خواهند داشت؟ مسلماً این خاصیت به دلیل ایمان به اسلام است. اسلام نیامده تا جامعه را متوقف کند، بلکه اسلام دین رشد است. اگر طرفدار ثبات و جمود بود، باید جامعه را در همان حالت جامعه‌ی عرب نگاه دارد؛ در حالی که می‌بینیم تمدن‌های

^۱ - فتح، آیه ۲۹

وسیع و عجیب را در خود جمع کرد و از مجموع آنها تمدن عظیم تری پدید آورد. پس اسلام با پیشرفت زمان مخالف نیست.^۱

یکی از خاصیت‌های عمده‌ی اسلام، اعتدال و میانه روی است و از علامت‌های مسلمانی، پیدا کردن راه میانه در میان راه‌های افراطی و تفریطی است:

«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا»^۲.

«و این گونه شما را امت میانه ای قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر هم بر شما گواه باشد.» نحوه‌ی وضع قانون در اسلام به گونه ای است که هنگام وضع قانون، طبیعت اشیاء را در نظر می‌گیرند. مثلاً اسلام می‌گوید: «گوشت گوسفند، حلال است» و «دزدی حرام است». مثلاً فقیه حکم می‌دهد که مسکر (مست کننده) نجس است، اما اینکه آیا الکل صنعتی هم مصداق مسکر و نجس است یا نه، به مصداق بر می‌گردد که باید متخصصین، آن را مشخص کنند.^۳

^۱ برگرفته از حسین. سوزنچی. همان کتاب، ص ۳۷ تا ۳۵

^۲ - بقره، آیه ۱۴۳

^۳ - برگرفته از حسین. سوزنچی. همان کتاب، ص ۷۵ و ۷۶

۳-۲-۳- مکانیسم انطباق اسلام با مقتضیات زمانه

اگرچه تمدن امروزی از جهاتی مثل امکانات و پیشرفتهای صورت گرفته در این زمان خیلی کامل تر از تمدن زمان ظهور خاتم الانبیا است، ولی آنچه موجب عوض شدن شریعت می شود، مربوط به تغییرات تمدن و رشد عقل عادی تجربی نیست، بلکه انسان به هدایت احتیاج دارد و هدایت انسان از دو راه حاصل می شود: عقل و وحی. سر نیاز انسان به وحی در این است که به سلسله مسائلی احتیاج دارد که عقل عادی از عهده ی آنها بر نمی آید. لذا چنین نیست هرگاه درجه ی تمدن بالاتر رود، نیاز به وحی کمتر یا بیشتر شود؛ بلکه تغییر وحی به حکم این است که درجه ی تمایل و استعداد بشر برای فراگیری قوانین الهی تغییر می کند تا به سرحد بلوغ می رسد، تاجایی که عقلش چنان کامل می شود که هر دستور لازم را می توان به او داد. به تعبیر دیگر، اصول و قوانین کلی ای که بشر در آنها به وحی نیاز دارد، محدود است و اینکه تمام دستورها به بشر اولیه داده نشد، برای این بوده که بشر، استعداد پذیرش همه ی آنها را نداشته و نیز اگر همه ی تعالیم را به او می گفتند، نمی توانست آنها را به کار ببندد. همان مقداری هم که می گفتند، بایستی، برایش سرپرست بفرستند که آنها را به کار ببندد. اسلام، دستگاه متحرکی در درون خود قرار داده است که خودش از ناحیه ی خودش، نه از ناحیه ی غیر، تغییر می کند. کار علما هم فقط کشف تغییرات است. در اینجا است که مسئله اجتهاد پیش می آید که به قول اقبال لاهوری، قوه محرکه اسلام است. اصول اسلام ثابت است، ولی نیازهای متغیری که در طول زمان پیش می آید بی نهایت است. به همین دلیل باید در هر زمان افراد متخصص باشند که اصول اسلام را با مسائل متغیر زمان تطبیق و درک کنند که این مسئله جدید، برچه اصلی از اصول منطبق است.

این فکر ضد آن فکر اهل تسنن است که اجتهاد را به عده ای خاص منحصر کردند.

شیعه می گوید: اجتهاد بابی است که در تمام زمان ها باید باز باشد. قرآن مسئله ای به نام تفقه

در دین را مطرح کرده، معنای تفقه، این است که انسان به شناخت سطحی دین اکتفا نکند.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌فرماید: بنی امیه می‌خواهد اسلام را مثل ظرفی وارونه، خالی از محتوا کنند. اینها می‌رساند که اسلام را به دو شکل می‌توان عرضه کرد؛ به صورت امری بی خاصیت و بی مغز، و به صورت امری مؤثر و دارای خاصیت. به عبارت دیگر اسلام، پوستی دارد و مغزی، ظاهری دارد و باطنی، روح اسلام روح ثابتی است و اسلام، مثل انسانی است که روحش ثابت، ولی بدنش متغیر است.

علت توانایی تطبیق فروع متغیر بر اصول ثابت که رمز جاودانگی و خاتمیت اسلام است. صرفاً بلوغ عقلی بشر نیست؛ بلکه بیشتر به علت خاصیت به کار رفته است که این گونه به آن خاصیت هماهنگی با پیشرفت تمدن داده است. این دین از مکانیسم‌های خاصی برخوردار است که باعث می‌شود انعطاف آنها بسیار زیاد شود و قابلیت تطبیق متغیرات زمانه بر اصول ثابت مهیا شود.^۱

^۱ - برگرفته از، حسین. سوزنچی. همان کتاب، ص ۶۹ تا ۷۱

فصل سوم :

اخلاق و پیشرفت ارزشهای نوین در جهان انقلابی

مقدمه

اکثر متفکران غرب، چون مبنای درستی از آزادی ندارند، فکر می‌کنند که اخلاق، مانع آزادی است و بر اساس همین فکر غلط، می‌گویند که باید انسان در زندگی حیوانی کاملاً آزاد باشد. آیا این نوع از آزادی، با شان و منزلت انسان سنخیتی دارد؟ آیا افراط در غرایز شهوانی آدمی را به کمال مطلوب می‌رساند و باعث رشد ترقی و تعالی می‌شود و قابلیت های انسان را شکوفا خواهد کرد؟ در این فصل به جواب این سوال پی خواهیم برد، و خواهیم دانست که شرط رسیدن به این نوع آزادی، برخورداری از تقوای الهی است، نه ثروت و سرمایه داری و تبعیت از امیال نفسانی.

۱-۳-۳- اخلاق و آزادی

روشن فکران جدید چنین می گویند که مقید شدن به اخلاق و عادت کردن به یک سلسله قوانین اخلاقی، مانع آزادی انسان است و چون آزادی، امر مطلوب و ایده آلی است، لذا نباید به اخلاق تن داد. یا حداقل تا زمانی باید اخلاقی بود که به حدود آزادی، لطمه ای وارد نیاید. به عبارت دیگر آنان معتقدند: ما معیار و ضابطه‌ای به نام (آزادی) داریم و همه چیز را با آن می‌سنجیم. اگر درست در آمد می‌پذیریم وگرنه کنار می‌زنیم. آیت الله محفوظی مولف کتاب اخلاقی اسلامی، برای نقد نظر فوق، و فهم بهتر رابطه اخلاق و آزادی، اندکی توضیح داده‌اند «آزادی، یکی از نعمتهای بزرگی است که خداوند سبحان در اختیار بشر قرار داده است. اساساً می‌توان گفت که گوهر انسانیت و سرشت آدمی، همین آزادی است و یکی از اهداف ارسال انبیای الهی، آزاد کردن انسانها و حراست از آزادی بوده است. ما معنای انسانیت را با آزادی می‌فهمیم و از انسان غیر آزاد، توقع رعایت مرزهای انسانی نیست.»^۱

اما باید دانست که برای انسان دو نوع آزادی وجود دارد: آزادی تکوینی و آزادی اعتباری و تشریعی.

تکوینی به این معناست که با خلقت انسان، آدمیان با حقیقت آزادی مواجه بودند و (آزادی) در وجود او قرار داده شده است: به فرمایش امیرالمومنان علی (علیه السلام): «لَا تَكُنْ غَيْرَكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا»^۲ طبق این سخن مولا، آزادی و حریت در فطرت انسان نهاده شده است.

^۱ - عباس. محفوظی اخلاق اسلامی. قم. انتشارات مشهور. ۱۳۸۸. ص ۱۰۳

^۲ - نهج البلاغه.

آری، یک نوع آزادی تکوینی است و نوع دیگر تشریعی و اعتباری، آزادی تشریعی و اعتباری، همان است که در علوم مختلف مثل سیاست، حقوق و تعلیم و تربیت در باره آن، بحث می‌شود و همین نوع آزادی است که قابل عطا کردن و یا سلب نمودن است و حکومت‌ها یا متولیان امری، می‌توانند آن را تنگ کنند یا توسعه دهند، اصطلاحاتی مثل آزادی سیاسی، آزادی بیان و انواع دیگر آن، در همین حوزه به کار می‌رود.

روشن است که در اسلام، آزادی به آن معنایی که در نزد غربیان مطرح است، وجود ندارد، یعنی این که انسان بر اساس هوا و هوس و امیال نفسانی هر چه را بخواهد انجام دهد و حقوق دیگران را پایمال نماید، و لنگاری را ترویج نماید، بلکه در اسلام آزادی به معنای رهایی از قید بندگی غیر خدا وجود دارد تا بتواند استعدادهای خود را شکوفا سازد و به جایگاه یک انسان الهی نائل می‌شود.

نکته مهم این که : قوانین اخلاقی به هیچ وجه، مانع آزادی نیست، بلکه بستر مناسبی برای آن فراهم می‌کند. محدودیت‌هایی که در اسلام وجود دارد برای انسان مصونیت می‌آورد، زیرا انسان با ملکات نفسانی و ارزشهای واقعی درون خود به حقیقت آزادی که آزادی از هوا و هوسی است نائل می‌شود. او نه تنها در برابر خود با دیگران خود را پایبند به یک سری امور اخلاقی و انسانی می‌داند و می‌کوشد در معاشرت‌های اجتماعی، حقوق دیگران را مورد نظر قرار دهد، بلکه در ارتباط با خود نیز سعی می‌کند هویت و شخصیت خود را بیابد و از امیال نفسانی خود را برهاند. در واقع انسان، با پیروی از اخلاق، خود را از بندگی نفس رها کرده و به ترقی و تکامل روحی نائل می‌شود و به آزادی واقعی می‌رساند. این نکته دقیقی است که جهان غرب، به شدت از آن غافل است، لذا اکثر متفکران آنان، چون مبنای درستی از آزادی ندارند، می‌پندارند که اخلاق، مانع آزادی است و بر اساس همین پندار غلط، می‌گویند که باید انسان در زندگی حیوانی کاملاً آزاد باشد، و وظیفه حاکمان را این می‌دانند که به هر صورتی که شده، زمینه و بستر این نوع از آزادی را فراهم کنند. به همین دلیل است که مثلاً همجنس بازی را قانونمند می‌کنند.

آیا این نوع از آزادی، با شان و منزلت انسان سنجیتی دارد؟ آیا افراط در غرایز شهوانی آدمی را به کمال مطلوب می‌رساند و باعث رشد ترقی و تعالی می‌شود و قابلیت‌های انسان را شکفته می‌نماید؟ واقعیت این است که جهان بینی اسلامی با تعالیم آزادی بخش خود:

اولاً: انسان را از نوع بندگی شیطان و اسارت در امر و نهی‌های او آزاد کرده و در دنیای پر از معنویت و زیبایی به پرواز در آورده است.

ثانیاً: آدمی را به حق، فقط بنده خدا ساخته و از همه طاغوت‌های دنیایی و ستمگران، رها کرده است. مسلمان واقعی نه برده شیطان است و نه بنده حاکمان جائر.

پس پایبندی به احکام و فرمان‌های چنین دینی، عین آزادی است.

آزادی معنوی: یکی از لذت‌های روحی انسان، آزادی معنوی است و این نوع از آزادی جز از طریق دین خدا به دست نمی‌آید. منظور از آزادی معنوی این است که آدمی خود را از قیدهای نفسانی خلاص کند و با تزکیه نفس، اخلاق و معنویت خود را حفظ نماید و مالک هوای نفسانی شود.

شرط رسیدن به این نوع آزادی، برخورداری از تقوای الهی است. کسب آزادی واقعی جز بر اساس تقوا، میسر نیست. قرآن کریم می‌فرماید:

«أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ شَفَا جُرْفٍ هَارٍ»^۱

«آیا آن کسی که بنیان خویش را بر اساس تقوای الهی و رضای او بنا کرده بهتر است یا آن که بنیان خویش را به پرتگاهی سست، مشرف به آتش قرار داده است.»

قرآن در قالب زیباترین مثالها اهمیت تقوا و اخلاق را در زندگی اجتماعی نشان می‌دهد.

در آیه فوق، خانه بسیار محکم و استوار را بر اساس (تقوا) مثال زد و در این آیه تقوا را (لباس) انسان می‌داند که با پوشیدن آن، شخصیت آدمی، زیبا و آراسته می‌گردد:

^۱ - سوره توبه ۱۰۹.

«وَلْيَأْسُ الْتَقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ»^۱

بی تردید، تقوا که بهترین نتیجه تربیت‌های اخلاقی است، با محدودیت به وجود می‌آید و به همین محدودیت، مصونیت می‌آورد.

۲-۳-۳- اخلاق و سوسیالیسم

سوسیالیسم^۲ نیز مانند هر شکل نظامی سیاسی - اجتماعی دیگری تنها بر حسب توانایی‌اش در حل مسائل اجتماعی - تاریخی جامعه می‌تواند مورد ارزیابی قرار گیرد. برتری نظام سوسیالیس تنها در این است که با حذف انگیزه سود در تعیین روند و چگونگی تولید، آن را به طور کلی برای سعادت همه زیر کنترل و نظارت عقلانی قرار دهد. برتری سوسیالیسم تنها در آن است که بتواند:

۱- سطح زندگی مادی و معنوی مردم را بالا برد، تواناییهای جمعی انسان‌ها را برای کنترل آگاهانه روابط اقتصادی سیاسی و اجتماعی افزایش دهد.

۲- شرایطی را برای توسعه هر چه بیشتر علوم و استفاده از آن برای سعادت انسان که جامعه‌های قبلی موفق به انجام آن نشدند فراهم آورد.

۳- بتواند مبانی علمی و هنری را تنظیم کند و با استفاده از اجرای صحیح آن سطح زندگی انسان را بالا برد و آرمان‌های او را از یک زندگی بهتر متحقق سازد.

هدف نهایی این نظام براندازی هر گونه استثمار و بهره‌کشی انسان از انسان، و در نتیجه برقراری زندگی مرفه‌تری برای همه مردم است. حامیان سوسیالیسم اعتقاد دارند که تنها از این راه است که عالی‌ترین آرمانهای اخلاقی بشری می‌تواند تحقق یابد و پیشرفت بیشتر و بالندگی آنان را بیمه نماید.

^۱ - سوره اعراب، آیه ۲۶

^۲ - سوسیالیسم از لغت فرانسه سوسیال به معنی اجتماعی گرفته شده بر اساس تقدم جامعه بر فرد و اولویت منافع و مصالح اجتماعی بر منافع فردی. محمود. مهرداد. همان کتاب. ص ۷۶

در نظام سوسیالیستی یا کمونیستی است که قلمرو اخلاق می‌تواند آن اندازه گسترش یابد که حوزه وسیعی از زندگی و تجربیات انسان را فراگیرد. انسانها هرگز موفق نشده‌اند توانایی‌ها و استعدادهای خود را بشناسند. دلیل آن این است که تنها عده کمی از آن توانسته‌اند از امکانات لازم برای پیشرفت بهره مند شوند که این خود در نتیجه شرایطی بوده است که بر اثر آن اکثریت مطلق توده‌ها نتوانستند از امکانات پیشرفت چه مادی و چه فرهنگی به علت فقر و زندگی یکنواخت و کسالت به ایشان بهره گیرند. چیزی که به طور تعیین راه ما را به سوی پیشرفت سد خواهد کرد این است که از ارزشهای اخلاقی مانند حق، آزادی، برابری، عدالت. نه به عنوان آن نیازها و خواسته‌هایی که بایستی در راه تحقق آنها مبارزه کرد، بلکه (چیزهایی که وجود دارند (و هستند) گفتگو کرده و یا در باره آنها بیاندیشیم. چنین شیوه نگرشی به مسئله، ناگزیر به رکود اجتماعی و ریاکاری اخلاقی منجر خواهد شد. به همین دلیل است که (جهان آزاد) کنونی یا هر چیزی شبیه آن لفظی بی‌مسمأ و متناقض است. چنین عبارتهای اخلاقی تنها در نیازها، خواسته‌ها و هدفها مفهوم پیدا می‌کنند نه به عنوان اصطلاحاتی برای توصیف و تشریح حالت های موجود چیزها.^۱

^۱ - علم اخلاق و پیشرفت ارزشهای نوین در جهان انقلابی. بی‌جا. نشر ثالث. ۱۳۷۵ صفحه ۵۵۶ تا ۵۸

۳-۳-۳- دگرگونی مفاهیم اخلاقی

ارزشهای اخلاقی دستخوش تغییرات ژرفی می‌شوند. بدین معنی که نیازهای تازه اخلاقی به وجود می‌آیند. مفاهیم کهنه اخلاقی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند و از نو تعریف می‌شوند. مردم در سرتاسر آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین صرف نظر از سیاهان آمریکا و کارگران سازمان یافته و دارای آگاهی سیاسی در هر نقطه از جهان، نیازهای اخلاقی نویی را مطرح کرده و برای ارضای آنها در کار پی افکندن نظریه‌های تازه اخلاقی هستند. آنها هم در گفتار و هم در عمل نشان می‌دهند که (چیزها) آن طور که باید باشند نیستند. آنها خواستار حقوق و فرصت‌های مساوی برای همه انسانها هستند. حق بهداشت مسکن مناسب و آموزش رایگان تا بالاترین سطح. همچنین آنها می‌خواهند که فرهنگ خویش را توسعه دهند و در استفاده از گنجینه فرهنگ جهان شریک باشند. انسان‌ها در سراسر جهان در حال از میان برداشتن ریاکاری اخلاقی‌اند. با ور داشتن به چیزی خوب، به معنای خواستن آن و کوشش در راه به دست آوردن آن است. حق داشتن کار، حق شرکت در ایجاد و سهیم شدن در چیزهای خوب زندگی، برای میلیون‌ها مردم امروز جهان، به صورت ضرورت‌های اخلاقی در آمده است.

۴-۳-۳- از اخلاق فئودالی تا اخلاق سرمایه داری و فروپاشی آن

پایه اقتصادی فئودالیسم اروپایی اقتصاد زراعی، بود. آن هم اقتصادی ماهیتا بسته. واحد اقتصادی یعنی ملک اربابی با صومعه که تشکیلات و اداره آن یکسان بود. مردمی را که روی آن کار می کردند، تامین می کرد. این واحد اقتصادی کالاهای مصرفی مردم را که شامل خانه و پوشاک و ابزار و وسایل کار بود تولید می کرد. واحد به شکلی لایه بندی شده بود که در بالا ارباب یا راهب کل بود و در سطوح پایین روستاییان و رعایا قرار داشتند. این روابط طبقاتی بیان کننده شیوه متداول تولید بود. در این وجه تولید، روستایی یا رعیت، گر چه برده نبود ولی مجبور بود خدمات و عوارض مختلفی به ارباب بدهد تا بتواند زمینی را که روی آن کار می کرد، حفظ کند بدین سان در واحد تولیدی، نظامی مخروطی شکل از استثمار و بهره کشی برقرار بود که بر پایه کار، پایین ترین طبقه، قرار داشت. بر پایه این نظام بهره کشی، رعایا مجبور بودند چند روزی از هفته (که بعضی اوقات تا ۵ روز می رسید) برای ارباب بیگاری کنند، مقدار معینی از محصول به دست آمده را به ارباب بدهند و حقوق دیگری که برای ارباب در نظر گرفته شده بود، رعایت نمایند.

اگر از نقطه نظر منافع خود به مسئله نگاه کنیم به سادگی در می یابیم که این اخلاق بر پایه انسان منفرد و ثروت او استوار بود، انسان مجرد محصور در زندان مشتی (اوراق بهادار) که تنها (حقوق قانونی) به وی اعطا شده بود و بر خلاف ارباب فئودال و مالک عمده که به واسطه داشتن دارایی و اموال غیر منقول خود تعهداتی در جامعه داشت؛ او، آزاد از هرگونه الزام، تعهد و مسئولیت اجتماعی بود، این انسانهای منزوی ثروتمند از موهبت آزادی های بورژوازی برخوردار بودند: آزادی تحصیل سود، نقل مکان و بازرگانی، بستن قرارداد و به اجرا گذاردن آنها.

آزادی که نظام جدید به فرد اعطا کرد نیازمند توجیه اخلاقی بود زیرا بر خلاف نظام سلسله مراتب قرون وسطی که انسان را در قید نگاه داشته و مهار کرده بود، انسان در نظام نوین، آزاد و مختار بود. آیین پروتستان نظریه ای کمال یافته^۱ برای به انجام رساندن این وظیفه فراهم کرد. «لوتر»^۲ و دیگر اصلاح طلبان مسیحی متوجه شدند که دینداری و کهنات راه رستگاری نیست، بلکه انسان تا آنجا که توانایی‌های ذاتی‌اش اجازه می‌دهد باید با استفاده از خرد، آگاهی و وجدانش، زندگی با تقوا و فضیلتی برای خود در این جهان فراهم کند و نیز تا موجب رستگاری خود در آخرت شود. بدین سان، کیش پرستش وجدان فردی بورژوازی پدید آمد و همپای آن موعظه‌های اطمینان بخش اخلاقیون، مبنی بر اینکه اگر کسی از فطرت پاک خود پیروی نماید در جامعه خوشبخت خواهد شد، ولی این امانوئل کانت بود که برای آیین جدید قاعده و صورت بندی فلسفی فراهم کرد و در آموزش‌های خود نشان داد که در فطرت هر انسانی قانونی اخلاقی وجود دارد که اطاعت و پیروی از آن بالاترین وظیفه است و در حقیقت اساس همه تعهدات و الزامات است و از این راه اخلاقیون بورژوازی در جست و جوی آن برآمدند که آزادی سخت به دست آمده‌شان را توجیه کرده و ثابت کنند که بر خلاف ادعای مخالفین که آزادی را ویران کننده مذهب راستین و نظام اجتماعی می‌دانند. این آزادی است که موجب کامیابی و خوشبختی اجتماعی انسان است.

از این راه بود که در طول چندین قرن، اخلاق نوینی در پاسخ به نیازهای نظام جدید پدید آمد و کوشید با این ادعا که حقیقت ابدی وجود دارد به توجیه نظام جدید بپردازد

با تحول نظام سرمایه داری، تضادهای آن میان ثروت عظیم و فقر، افزایش روز افزون تولید در میان نکبت و بیچارگی رو به تزاید تولید کنندگان در مراکز صنعتی، بر انسانهایی که از نظر اجتماعی

^۱ . Par – excellence

^۲ – Martin luther : مارتین لوتر رهبر برجسته اصلاح دین و مؤسس فرقه پروتستان که سراسر زندگی معنوی قرن های شانزدهم و هفدهم را زیر نفوذ خود گرفته بود (مترجم)

حساس بودند، آشکار شد. ولی نظام سرمایه داری، اگر چه خدایی بود با پای گلی، ولی هنوز دارای نیروی کافی برای رویارویی بود.

آنچه گفتیم در باره اخلاق سرمایه داری بود و اکنون به فروپاشی اخلاق سرمایه داری می‌پردازیم. کسب و کار آزاد^۱ که زمانی آرمانی الهام بخش و مترقی بود. اکنون تبدیل به دست مایه مشتی میلیونر یا بلیونرهای مقتدر و ابزاری ایدئولوژیک^۲ برای حفظ تسلط آنها بر روند اقتصادی و تمامی زندگی (جهان آزاد) شده است. از این رو، وجود یک علم اخلاق نو و فضیلتی نو ضروری گشته است. زیرا اخلاق پیشین مفهوم و نیز سودمندی خود را در جهان امروز از دست داده است. احکام سرمایه داری بر خلاف فرامین سنتی و اشکال دموکراسی، مانند سنج های موج پر صدایی که نقش در ارکستر ندارند، جایی در زندگی مردم امروز اشغال نمی‌کنند. این احکام هیچ چیز به توده هایی که مجبورند وجود خویش را به آنهایی که به خدمتشان می‌گمارند و تنها به این دلیل که نیروی کارشان وسیله ای برای سود است پیشکش کننده نمی‌دهند. اخلاق سرمایه داری، به جای اینکه انسان‌ها را با هم متحد کرده و در جهت سعادت و رفاه همگانی یاری شان دهد، آنها را تا حد زندگی پست حیوانی تقلیل داده است.^۳

^۱. Free enterprise

^۲. ideological instrument

^۳ - برگرفته از اخلاق و پیشرفت ارزشهای نوین در جهان انقلابی، هوارد سلزام، ص ۷۲ و ۷۳

۵-۳-۳- آشتگی اجتماعی

با دقت کردن در اوضاع کنونی دنیای غرب و کل جهان اسلام می بینیم که دیگر هیچ کس جایی را که باید متناسب با طبیعت خود، اشغال کند، اشغال نکرده و هیچ کس با هیچ قاعده مشروعی کاری را به عهده نگرفته و هر کس خود را مجبور دیده که هر نوع کاری را که می تواند بدست آورد و در آن منصب مشغول باشد. کاری که غالباً برای تصدی آن منصب کمترین صلاحیت و لیاقتی را نداشته، بالطبع چنین فردی نمی تواند، به درستی وظیفه خود را انجام دهد. در چنین شرایطی نوعی بی نظمی در جامعه به وجود می آید که باعث آشتگی های اجتماعی هرج و مرج در جامعه می شود و فقط یک راه برای خروج از این آشتگی ها می تواند وجود داشته باشد و آن راه احیای عقلانیت است، که باعث تشکیل نخبگان شده، یعنی نخبگان دینی و اعتقادی و اجتماعی و اقتصادی و... یک جامعه در همه مسائل روز آن جامعه با هم دیگر دست به تشکیلاتی زده تا بتوانند از این طریق بر قانون شکنان آن جامعه پیروز شوند.^۱

نمونه بارز این نوع تشکیلات در ایران، همراه با انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی و با همراهی مردم ایران و نخبگان سیاسی و فقهی و اقتصادی، صورت گرفت. با توجه به، مطالب ذکر شده، فهمیده می شود که، نظام های سوسیالیسم و سرمایه داری و فئودالی هیچ کدام موجب حفظ ارزشهایی که خداوند در وجود و فطرت انسان قرار داده، نشده اند، بلکه باعث نزول و سرخوردگی انسان شده اند.

^۱ برگرفته از: رنه گنون. ترجمه، عزیزی. حسین. بحران دنیای متجدد. تهران. حکمت ۱۳۸۷. با اندکی تصرف. ص ۱۲۰

نتیجه گیری

«انسان فقط یک معلم اخلاق دارد و آن ذات مقدس الهی است. انسان، اگر می‌خواهد اخلاق اصیل و واقعی را بدست آورد باید آن را، از سرچشمه آن دریافت کند.

« با توجه به سفارشهایی که از سوی خداوند متعال و پیامبران و ائمه طاهرین، به، نیاز انسان برای تهذیب نفس شده است، بهتر است که به اهمیت علم اخلاق بپردازد و خود را به فضایل اخلاقی بیاراید، تا از این طریق به هدف اصلی خلقت که رسیدن به قرب الهی و جلب رضایت حق تعالی است، دست یابد. رسیدن به این مهم، تنها با، اسلام ناب محمدی، که شیعه اثنی عشری، آن را قبول دارد، میسر است، که سرچشمه آن قرآن و عترت است، نه اسلامی که امروزه بر برخی از کشورهای مسلمان با پیشرفت و توسعه جوامع حاکم شده.

«دین اسلام و دیگر ادیان، هیچ مغایرتی با تکنولوژی و پیشرفت ندارد. و انطباق ادیان با مقتضیات زمانه، در فروع آن انجام می‌گیرد، نه در اصول و ماهیت آن. و قرار نیست که با تغییرات زمانه دین اسلام هم به انحطاط کشیده شود. پس نظام‌های سوسیالیسم و سرمایه داری و فئودالی هیچ کدام موجب حفظ ارزشهایی که خداوند در وجود، و فطرت انسان قرار داده، نشده، بلکه باعث نزول و سرخوردگی انسان شد. بنابراین نتیجه این می‌شود که دوری انسانها از دین، دنیا زدگی و تغییر و تحولات در زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، بدون توجه کردن به حفظ اخلاق دینی باعث انحطاط اخلاقی در دنیای امروزی شده است.

منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- آمدی، عبدالواحد. ترجمه: انصاری، محمدعلی، غرر الحکم، بی جا، موسسه انتشاراتی امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ۱۳۷۸.
- آیت الله جوادی آملی، مبادی اخلاق در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۷.
- آقا بخشی، علی و افشاری راد، مینو، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، نشر چاپار، ۱۳۸۳.
- استیفن وارد، ترجمه پویان، حسن، درآمدی تاریخی به اخلاق، تهران، نشر سعدی، ۱۳۷۴.
- بندر لیگی، محمد، فرهنگ بندر لیگی، بی جا، انتشارات علمی، ۱۳۷۸.
- رشاد، علی اکبر، دانش نامه امام علی (علیه السلام)، بی جا، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۹.
- سلزام، هوارد، ترجمه: مددی، مجید، علم اخلاق و پیشرفت ارزشهای نوین در جهان انقلابی، بی جا، نشر ثالث، ۱۳۷۵.
- سوزنچی، حسین، اسلام و دنیای متجدد، بی جا، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۹.
- شیروانی، علی، نهج الفصاحه، بی جا، انتشارات دارالفکر، ۱۳۶۸.
- علامه طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، قم، انتشارات دارالعلم، ۱۳۸۷.
- عالمی، سید محمد، رابطه دین و اخلاق، قم، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۸۹.
- عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، نشر فرهنگ اندیشمندان، ۱۳۸۸.
- مرحوم ثقه الاسلام کلینی، ترجمه: کمره‌ای، محمد باقر، اصول کافی، ج ۲، بی جا، اسوه، ۱۳۷۹.
- گنون، رنه، ترجمه: عزیزی، حسین، بحران دنیای متجدد، تهران، حکمت، ۱۳۸۷.

- علامه مجلسی، بحارالانوار، بی جا، کتاب نیستان، ۱۳۸۸.
- محفوظی، عباس، اخلاق اسلامی، قم، انتشارات مشهور، ۱۳۸۸.
- مهرداد، محمود، فرهنگ جدید سیاسی، بی جا، انتشارات هفته، ۱۳۶۳.
- نصر، سید حسین، جوان مسلمان و دنیای متجدد، بی جا، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۸.
- -----، اسلام سنتی در دنیای متجدد، بی جا، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، ۱۳۸۶.
- یوسفیان، حسن، کلام جدید، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۹.